

الزامات تساوی سلاح‌ها در رفتار دادستان و متهم؛ با نگاهی به جرایم اقتصادی

عبدالحمید شریفی^۱، دکتر مهدی شیدائیان^۲*

۱- دانشجوی دکتری تخصصی حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم
۲- استادیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تهران و استاد مدعو دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

چکیده

اصل تساوی سلاح‌ها به معنای فراهم نمودن حقوق مساوی برای طرفین دعوا جهت برقراری دادرسی‌ای عادلانه می‌باشد؛ به گونه‌ای که هر یک از طرفین دعوا بتواند ادعا یا دفاع خود را در شرایطی مشابه یا برابر با طرف دیگر دعوا مطرح نماید؛ این اصل، برای اولین بار در کمیسیون اروپایی حقوق بشر به کار گرفته شد و امروزه در عمده نظام‌های حقوقی پذیرفته شده و بر همه انواع دادرسی؛ اعم از حقوقی، کیفری و اداری حاکمیت پیدا کرده است. در جرایم عادی و خیابانی که اغلب، متهم، فاقد ابزارها و امکانات دفاعی لازم است اقتضای تساوی سلاح‌ها، برقراری امکانات و حقوق دفاعی ضروری برای متهم، به منظور حمایت از وی در مقابل دادستان می‌باشد که از کلیه امکانات لازم جهت تعقیب دعوی علیه متهم برخوردار است؛ لکن در جرایم اقتصادی به لحاظ اینکه متهمان جزو گروه مجرمان یقه سفید، و از صاحبان زر و زور هستند و از اقتدار و نفوذ بالایی برخوردارند دادستان در موضعی انفعالی در مقابل آنان قرار دارد و اصل تساوی سلاح‌ها ایجاب می‌کند بجای حمایت از متهم، حقوق و ابزارهای قانونی دادستان مورد گسترش و تقویت قرار گیرد تا بدین وسیله امکان کشف جرایم اقتصادی و تعقیب متهمان آن برای دادستان یا مقام تعقیب فراهم شود.

واژگان کلیدی: اصل تساوی سلاح‌ها، دادستان، متهم، جرایم اقتصادی.

مقدمه و بیان مساله

یکی از مهمترین دغدغه‌های بشریت در تمام جوامع انسانی، اجرای عدالت است و همواره، فهم عموم و متعارف از عدالت، برقراری مساوات بین مردم در مقابل قانون و ایجاد فرصت‌های برابر، بدون لحاظ کردن موقعیت اجتماعی یا سیاسی آنان است؛ در حقوق کیفری، یکی از زمینه‌های اجرای عدالت و به تبع آن، اصل مساوات در برابر قانون، با عنوان «دادرسی عادلانه یا منصفانه»^۱ مطرح می‌شود؛ اصل تساوی سلاح‌ها یکی از مصادیق بارز اصل مساوات در فرآیند دادرسی و از ارکان بنیادی دادرسی عادلانه محسوب می‌شود و بدین معناست که هر یک از طرف‌های دعوا باید بتواند ادعا یا دفاع خود را در شرایطی مشابه یا برابر با طرف دیگر مطرح نماید؛ این اصل، جایگاه ویژه‌ای را در حقوق کشورهای مختلف به خود اختصاص داده است و پذیرش آن، در واقع، متأثر از «الگوی جهانی دادرسی عادلانه است» است؛ این الگوی جهانی، بر پایه‌ی توافقی کردن هر چه بیشتر دادرسی به ویژه در مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی و دادن امکانات برابر به همه‌ی طرف‌های دعوا و در نتیجه، گرایش به سوی یک نظام اتهامی^۲ شکل گرفته است (ساقیان، ۱۳۸۵، ۸۰). دادرسی ای عادلانه که در آن متهم در وضعیتی برابر با دادستان قرار می‌گیرد تا بتواند در برابر آن از خود دفاع نماید. (بیگی، ۱۳۹۲، ۴۸۷).

با اندکی تأمل در بحث‌های حقوقدانان پیرامون اصل تساوی سلاح‌ها، می‌توان دریافت که تکیه بحث در اصل مذکور بر تقویت حقوق دفاعی متهم به منظور متناسب کردن آن با اختیارات و امکانات دادستان قرار گرفته است؛ زیرا اعتقاد غالب بر این است که متهم، در مقابل دادستان که مجهز به تمامی امکانات گسترده و پیشرفته برای تعقیب متهم می‌باشد فاقد امکانات و حقوق دفاعی ضروری است؛ از این اندیشه غالب می‌توان به «رویکرد سنتی اصل مذکور» یاد کرد که در رفتار میان دادستان و متهمان در جرایم عادی صدق می‌کند؛ اما در جرایم اقتصادی که طرف مقابل دادستان، متهمانی محترم و عمدتاً قدرتمند و دارای موقعیت بالای اجتماعی و اقتصادی قرار دارند و به لحاظ برخورداری از زر و زور، براحتی می‌توانند امکانات و ابزارهای قانونی دادستان را دور زده و خود را از تعقیب و محاکمه خلاص نمایند رویکرد سنتی اصل تساوی سلاح‌ها نمی‌تواند متضمن مساوات و تعادل در رابطه بین طرفین دعوا باشد و مستلزم تغییر و تحول به رویکردی نوین در جهت توسعه و تقویت ابزارهای قانونی و گسترش اختیارات دادستان در تعقیب جرایم اقتصادی و متهمان به ارتکاب آن می‌باشد تا با حمایت از دادستان و کنترل نفوذ و قدرت متهمان به جرایم اقتصادی بتوان امکان تعقیب و اجرای عدالت در مورد آنان را فراهم و موازنه قوا یا تساوی سلاح‌ها میان طرفین را برقرار ساخت؛ حال باید دید تحقق رویکرد نوین اصل تساوی سلاح‌ها و به عبارت روشن‌تر، برقراری موازنه قوا میان دادستان و متهمان در جرایم اقتصادی چه ساز و کارهای حقوقی را لازم دارد؟ این مجموعه تحقیق در پی پاسخ به سوال مذکور و بررسی این ساز و کارهای حقوقی است و آن را تحت عنوان الزامات تساوی سلاح‌ها در رفتار دادستان و متهمان در جرایم اقتصادی مطالعه می‌نماید.

اهمیت و ضرورت تحقیق

جرایم اقتصادی بویژه در سطح کلان آن، واجد آثار مخرب زیادی بر اوضاع اقتصادی و اجتماعی افراد جامعه بوده و موجب توزیع نابرابر ثروت و فساد اقتصادی و بی عدالتی در اجتماع می‌شود و قربانیان زیادی را در بر می‌گیرد؛ از این رو کنترل این جرایم و تعقیب متهمان به ارتکاب آن بیش از متهمان دیگر ضروری می‌نماید؛ از طرف دیگر، عمدتاً کسانی مرتکب جرایم اقتصادی در سطح کلان می‌شوند که دارای موقعیت شغلی و احترام در جامعه بوده یا مرتبط با افراد دارای موقعیت بالای اجتماعی و سیاسی است و به تبع این جایگاه، به منابع تولید و ثروت دسترسی دارد و بستر ارتکاب این جرایم برای آنان فراهم است. گستره بیش از حد جرایم اقتصادی از یک طرف و برخورداری مرتکبان این جرایم از پشتوانه اجتماعی و اقتصادی و

۱. Fair trial

۲. Accusational system

امکانات قوت و نفوذ - هم در جهت ارتکاب جرم و هم در جهت امحای آثار و دلایل جرم و جلوگیری از گزارش وقوع آن -، امر کشف جرم و تعقیب مرتکبان آن را بر دادستان دشوار می‌نماید و دادستان هرگز نمی‌تواند با آیین دادرسی و ابزارهای سنتی، تعقیب دعوا علیه متهمان در جرایم اقتصادی را به سرانجام برساند مگر اینکه الزامات قانونی و حقوقی خاصی که متفاوت با تعقیب جرایم عادی باشد در اختیار داشته باشد تا با بکار بستن آن، در موقعیتی متوازن با متهم قرار بگیرد و بتواند دعوی خود علیه متهم را در شرایطی برابر مطرح نماید. از این رو اهمیت شناسایی و کاربرد این الزامات به منظور برقراری تساوی سلاح‌ها جهت تعقیب متهمان در جرایم اقتصادی آشکار می‌شود تا مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

تبیین مفاهیم

مفهوم اصل تساوی سلاح‌ها

بررسی پیشینه تاریخی اصل تساوی سلاح‌ها نشان می‌دهد که اصل مذکور بر پایه بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، وضع شده است؛ طبق بند مذکور: «هر کس حق دارد تا دعوایش به طور منصفانه، علنی و در یک مهلت منطقی به وسیله یک دادگاه قانونی، مستقل و بی طرف که در مورد دعوای نسبت به حقوق و تعهدات دارای خصوصیت مدنی وی و یا به جهت هرگونه اتهام علیه او در حوزه کیفری رسیدگی خواهد کرد، مورد استماع قرار گیرد...». حقوقدانان غربی واژه «انصاف» در ماده ۶ کنوانسیون مذکور را به «تساوی سلاح بین طرفین دعوا» تعبیر کرده‌اند (آشوری، ۱۳۸۳: ۳۲۷)؛ در واقع، مفهوم دادرسی منصفانه یا عادلانه در ماده یاد شده، به اصل تساوی سلاح‌ها تعبیر شده است و همین مفهوم در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر دیگر؛ نظیر میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (بند ۱ ماده ۱۴ و ۲۶)، اعلامیه جهانی حقوق بشر (ماده ۱۰)، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (ماده ۸) و منشور آفریقایی حقوق بشر و خلق‌ها (ماده ۷) به عنوان یکی از حق‌های بنیادین مورد اشاره قرار گرفته است که به تساوی سلاح‌ها تعبیر می‌شود؛ در رویه قضایی هم، اصل تساوی سلاح‌ها از واژه انصاف یا مفهوم دادرسی عادلانه استنباط شده است؛ همان طور که کمیسیون اروپایی حقوق بشر با الهام از بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در پرونده «شو آبوویچ»^۱ علیه سوئد در رأی مورخه ۳۰ ژوئن ۱۹۵۹ ابراز داشته است: «انصاف (حق بهره‌مندی از دادرسی عادلانه) اقتضاء می‌کند که هر یک از طرفین دعوا بتواند از خود - چه در امور کیفری و چه در امور حقوقی - در شرایطی دفاع نماید که او را در روند دادرسی نسبت به طرف مقابل خود به گونه‌ای اساسی در وضعیت نامساعدتری قرار ندهد». همینطور، دیوان اروپایی حقوق بشر در پرونده «نایدراست هور»^۲ علیه سوئیس در رأی مورخ ۱۸ فوریه ۱۹۹۷ در تشریح اصل تساوی بیان داشته است: «به هر طرف دعوا باید فرصت معقولی جهت طرح دعوی خود - از جمله فرصت ارائه دلیل و مدارک - در شرایطی که وی را نسبت به طرف دیگر دعوا در وضعیت نامساعدتری (نابرابری) قرار ندهد داده شود».

نتیجه آن که، براساس پیشینه تاریخی و رویه قضایی، تساوی سلاح‌ها میان اصحاب دعوا از دادرسی منصفانه یا عادلانه اتخاذ شده و به عبارتی، انصاف و عدالت ایجاد می‌کند که طرفین دعوا از حقوق مساوی برخوردار باشند. در غیر این صورت، مبارزه منصفانه‌ای میان رقبا (طرفین دعوا) وجود نخواهد داشت و ناظران نسبت به نتیجه متقاعد نخواهند شد.

(Cassese, ۲۰۰۳: ۳۹۶). اما باید توجه داشت مساوات یا برابری طرفین دعوا، به معنای برخورداری آنان از وسایل و منابع مساوی نیست و رفتار برابر، مستلزم آن نیست که چیزی را که فقط یک طرف نیاز دارد دیگری هم دریافت کند (فضائلی، ۱۳۹۴: ۳۳۰). بلکه بنا به قاعده انصاف یا اقتضای عدالت؛ «برابری، متضمن آن است که هر طرف باید فرصت معقول برای ارائه پرونده خود؛ از جمله ادله را بیابد به گونه‌ای که وی را در وضع اساساً نامساعدی در برابر طرفش قرار ندهد». بنابراین، منظور از تساوی سلاح‌ها، برابری

۱. Swzabowicz

۱. Niderost-huber

۲. See, ECTHR ۱۸ February ۱۹۹۷, Niderost-Huber v Switzerland, m appl. no. ۱۸۹۹۰/۹۱, Para. ۲۳.

طرفین دعوا در استفاده از همه وسایل، منابع و امکانات نیست (آشوری، ۱۳۸۷: ۱۲) و نباید اینگونه تفسیر شود که متهم، مستحق همان ابزار و منابع تحت تصرف دادستان است. بلکه مقصود از این اصل، آن است که طرفین از امکانات کافی برای بیان و عرضه دفاعیات خود برخوردار باشند^۳، و بر این اساس، اصل تساوی سلاح‌ها باید در معنای ایجاد توازن و تعادل بین طرفین دعوا به گونه‌ای که یک طرف دعوا در وضعیت نامناسبی از جهت حقوق و ابزار دفاعی و اثبات ادعا در مقابل طرف دیگر قرار نگیرد تعبیر شود؛ با این اوصاف، بهتر است به جای عبارت «اصل تساوی سلاح‌ها»، «اصل موازنه قوا» را بکار برد تا شائبه لزوم بهره‌مندی طرفین دعوا از وسایل و امکانات مساوی و مثل هم، به استناد اصل مذکور رفع شود.

مفهوم جرم اقتصادی

تبیین مفهوم جرم اقتصادی از این جهت ضروری است که شناخت آن به شناسایی مجرمان اقتصادی و اتخاذ سیاست کیفی هوشمندانه در مقابل آنان کمک می‌نماید. تعریفی در خصوص جرایم اقتصادی در قوانین و اسناد حقوقی ارایه نگردیده و تنها مصادیق آن بیان شده اند^۴ و به دلیل ماهیت پیچیده‌ای که دارند، حقوقدانان نیز از آن تعریف یکسانی بدست نداده اند؛ برخی جرایم اقتصادی را جرایم صاحبان قدرت؛ نظیر نقض قوانین شرکت‌ها، تخریب محیط زیست، کلاهبرداری و مانند آن دانسته‌اند (سلیمی، ۱۳۸۳: ۶۷)؛ عده‌ای جرایم اقتصادی را جرایمی می‌دانند که علیه نظام تولید، توزیع یا مصرف اقتصادی، به وقوع بپیوندند (مهدوی پور، ۱۳۹۵: ۳۷)؛ برخی در تعریف این جرم گفته‌اند جرایم اقتصادی اعمال ممنوعه‌ای هستند که به منافع اقتصادی مورد حمایت جامعه صدمه وارد کرده و آن را به خطر می‌اندازند (همان: ۳۸)؛ بعضی دیگر این جرایم را جرایمی نامیده‌اند که با قوانین و مقررات جنایی و اقتصادی که وجوه مختلف فعالیت‌های اقتصادی را تنظیم می‌نماید در تعارض هستند و در نهایت مصلحت عامه را با خطر مواجه می‌سازد (عشماوی، ۱۳۸۶: ۱۶-۱۸)؛ در تعریفی دیگر جرایم اقتصادی جرایمی تلقی شده‌اند که در قوانین مربوط به حمایت از فعالیت‌های اقتصادی آمده است؛ اعم از اینکه در قانون جرایم اقتصادی پیش‌بینی شده باشد یا در قوانین متفرقه‌ای که فعالیت‌های اقتصادی را تنظیم می‌کند (زراعت، ۱۳۹۱: ۱۲)؛ بدیهی است هیچکدام از این تعاریف، دقیق نبوده و همگی، واجد ایرادات عمده‌ای هستند؛ از جمله اینکه دامنه و محدوده جرایم اقتصادی را مشخص ننموده‌اند. به عنوان جامع‌ترین تعریف می‌توان گفت جرایم {مفاسد} اقتصادی به جرایم علیه تمامیت اموال عمومی و دولتی گفته می‌شود که باعث ایجاد اختلال در نظام اقتصادی کشور در سطح کلان می‌گردد و با خارج ساختن امور اقتصادی از مجرای صحیح و سالم خود، منجر به دارا شدن غیر عادلانه و تحصیل ثروت‌های کلان توسط عده قلیلی از اشخاص یا کسانی شده است که به واسطه بهره‌مندی از قدرت سیاسی یا ارتباط با مقامات سیاسی و نیز با سوءاستفاده از منابع اطلاعاتی و سیاسی و اقتصادی و

۳. See Prosecutor v. Clement Kayishema and obed Ruzindana, ICTR .ch.II.۲۱May ۱۹۹۹, paras. ۵۵-۶۴

۱. قانونگذار ایرانی از تعریف جرایم اقتصادی اجتناب نموده و تنها به ذکر مصادیق آن پرداخته است؛ بند ب ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در تعیین مصادیق جرایم اقتصادی مقرر می‌دارد: «جرایم اقتصادی شامل کلاهبرداری و جرایم موضوع تبصره ماده (۲۶) این قانون با رعایت مبلغ مقرر در آن ماده». ماده ۳۶ آن قانون نیز در خصوص انتشار حکم محکومیت قطعی برخی از جرایم است که در تبصره آن، انتشار حکم قطعی سیزده دسته از جرایم را که میزان مال موضوع جرم، یک میلیارد یا بیشتر از آن باشد، به صورت الزامی مورد حکم قرار داده است که وفق بند «ب» ماده ۱۰۹ قانون مذکور این سیزده جرم به همراه کلاهبرداری، ذیل عنوان «جرایم اقتصادی» قرار گرفته‌اند که عبارتند از: «الف- رشا و ارتشا، ب- اختلاس، پ- اعمال نفوذ بر خلاف حق و مقررات قانونی در صورت تحصیل مال توسط مجرم یا دیگری، ت- مداخله وزرا و نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری، ث- تبانی در معاملات دولتی، ج- اخذ پورسانت در معاملات خارجی، چ- تعدیات مأموران دولتی نسبت به دولت، ح- جرایم گمرکی، خ- قاچاق کالا و ارز، د- جرایم مالیاتی، ذ- پولشویی، ر- اختلال در نظام اقتصادی کشور، ز- تصرف غیر قانونی در اموال عمومی و دولتی».

طرق مختلف دیگر دارای امکان و موقعیت تحصیل ثروت نامشروع از اموال عمومی یا دولتی یا از فرصت‌های غیر قانونی و تبعیض‌آمیز می‌باشند (اعظمی مقدم، ۱۳۹۰: ۶۲).

یکی از مزایای این تعریف این است که جرایم اقتصادی در سطح کلان و موجب اختلال در نظام اقتصادی کشور را مورد توجه قرار می‌دهد و از این جهت، جرایم اقتصادی و مالی؛ نظیر کلاهبرداری ساده ارتكابی را از محدوده تعریف خارج می‌نماید؛ مزیت دیگر این تعریف، اینکه تبیین می‌کند که این جرایم عمدتاً از سوی صاحبان موقعیت و قدرت سیاسی یا اطلاعاتی یا اقتصادی ارتکاب می‌شود نه مجرمان خیابانی؛ به عبارت دیگر، جرم اقتصادی به وسیله نوع خاصی از اشخاص ارتکاب می‌یابد که دارای موقعیت اجتماعی برتر هستند و از این جهت این تعریف از جرایم اقتصادی، ما را در شناخت مجرمان اقتصادی و مبنی بر این که دارای جایگاه اجتماعی و اقتصادی والا هستند و تحلیل ساز و کارها یا الزامات اصل تساوی سلاح‌ها در قبال آنان و دادستان یاری می‌نماید.

تبیین الزامات

منظور از طرح این بحث، ساز و کارهای حقوقی است که بتوان با بکار بستن آن، تعقیب مجرمان اقتصادی را فراهم و اصل تساوی سلاح‌ها را در جرایم اقتصادی - یعنی میان دادستان و متهمان به ارتکاب این جرایم - برقرار ساخت که ذیلاً به بعضی از این ساز و کارها یا الزامات اشاره می‌نماییم.

عدول از اصل برائت (معکوس شدن بار اثبات)

یکی از دشوارترین موضوعاتی که دادستان و مقامات تعقیب در پرونده‌های مشتمل بر جرایم اقتصادی با آن مواجه هستند بار اثبات است؛ از یک طرف، مطابق اصل برائت یا فرض بی گناهی، دادستان ملزم به تحصیل و ارائه دلیل و اثبات بزه انتسابی به متهم است؛ در نتیجه متهم مکلف به ارائه دلیل بر بی گناهی خود نیست.

(شمس ناتری، ۱۳۹۱: ۲۸۹) از طرف دیگر، جرایم اقتصادی عمدتاً جرایمی با دامنه وسیع و پیچیده بوده و اغلب مرتکبان آن در موقعیتی قرار دارند که سد راه تحقیقات شده و ادله را تخریب یا پنهان می‌کنند. فساد شایع ناشی از جرایم اقتصادی، نهادهای تحقیق و تعقیب را در زمینه گردآوری ادله و اثبات اعتبار آن، تضعیف می‌کند (مهدوی پور، همان: ۲۹۵). بدیهی است در چنین جرایمی، اصل برائت به حمایت از متهمانی که در موقعیتی برتر در مقابل دادستان قرار داشته و نیاز به حمایت ندارند می‌پردازد و کفه ترازوی عدالت را به نفع متهمان به جرایم اقتصادی بالا برده و به عبارت روشن‌تر اصل تساوی سلاح‌ها را به ضرر دادستان نقض می‌نماید. از این رو، در چنین مواردی، یکی از الزامات و تمهیدات برای برقراری اصل تساوی سلاح‌ها میان دادستان و متهمان به جرایم اقتصادی، عدول از اصل برائت است؛ عدول از اصل برائت، به طور عمده، در جاهایی بیشتر مطرح می‌شود که نخست ارتکاب جرم موجب صدمه‌ای شدید به جامعه شده یا تهدیدی جدی علیه آن تلقی گردد و دوم، اثبات جرم از سوی دادستان و مقام تعقیب به سبب پیچیدگی‌های خاص جرم ارتکابی امکانپذیر نباشد (شمس ناتری، همان: ۲۹۳) که این ویژگی‌ها در جرایم اقتصادی به نحو بارزی وجود دارد؛ به عبارت دیگر، عدول از اصل برائت به پیچیدگی ارتکاب برخی جرایم در دنیای کنونی [نظیر جرایم اقتصادی و مصادیق متعدد آن] برمی‌گردد. پیشرفت تکنولوژی، ضمن آنکه رفاه مادی را برای انسان به ارمغان آورده است مشکلاتی را نیز برای پلیس و تشکیلات کیفری از جهت کشف جرم ایجاد نموده است. بموازات ترقی و پیشرفت پلیس در بهبود شیوه‌های کشف جرم، متخلفان نیز برای پیچیده ساختن کشف آن تلاش می‌کنند و حتی می‌توان گفت تبهکاران پیشروتر از پلیس عمل می‌کنند (رحمدل، ۱۳۸۶: ۱۱۵-۱۱۴). به همین جهت می‌بینیم که قوانین کشورهای مختلف، با اتخاذ سیاست جنایی امنیت مدار، اصل برائت در پاره‌ای از جرایم مهم و سازمان یافته؛ نظیر قاچاق مواد مخدر و پول شویی عدول کرده‌اند؛ نظیر قوانین جزایی فرانسه و آلمان که درباره اموال مشکوک و پولشویی فرض مجرمیت بر اصل برائت مقدم شمرده شده است به گونه‌ای که اگر متهم نتواند منشأ مشروع اموال مشکوک خود را اثبات کند، این اموال مصادره خواهد شد و بر متهم است که بی گناهی خویش را در دادگاه به اثبات برساند. قانون

قاچاق مواد مخدر آمریکا مصوب ۲۰۰۶، نیز برخلاف اصلاحیه چهارم و پنجم قانون اساسی آمریکا، فرض اماره مجرمیت را پذیرفته و بار اثبات را در مورد عدم صحت اتهامات بر دوش متهم قرار داده است (قپانچی و دانش ناری، ۱۳۹۱: ۱۷۷).

همینطور، اسناد بین‌المللی؛ نظیر کنوانسیون مریدا و پالمو؛ به کشورهای عضو پیشنهاد نموده‌اند که در پاره‌ای جرایم خاص؛ مانند پولشویی و قاچاق مواد مخدر^۲ - بخصوص در شکل سازمان یافته آن - که وجود قوانین و شواهد، ظن ارتکاب جرم توسط متهم را تقویت می‌نماید و نیز در مواردی که حفظ مصالح عالیه ایجاب می‌نماید اقدام به محدود سازی قلمرو اعمال اصل برائت یا تقدم فرض مجرمیت بر این اصل نمایند (شاملو و مرادی، ۱۳۹۲: ۱۱۹).

البته در حقوق کیفری ایران، قانونگذار، در خصوص تطهیر پول و سرمایه‌های نامشروع، توجهی به فرض مجرمیت ننموده و در مورد اموال و سرمایه‌های مشکوک موضوع اصل ۴۹ قانون اساسی، اصل برائت را به طور مطلق جاری کرده است در حالی که تقدم فرض مجرمیت بر اصل برائت در مورد اینگونه اموال منطقی‌تر و به عدالت حقوقی نزدیک‌تر می‌باشد (شمس ناتری، همان: ۲۹۷). همین‌طور، در قانون مبارزه با پولشویی نیز، به لحاظ عدم تصریح به اماره مجرمیت در خصوص جرم پولشویی، در واقع اصل برائت را به طور ضمنی مورد پذیرش قرار داده است.

بهر حال، عدول از اصل برائت موجد اثر مهمی بنام «معکوس شدن بار اثبات» است؛ بدین معنا که عدول از اصل برائت، بار اثبات دلیل را از عهده مقام تعقیب بر می‌دارد و بر عهده متهم قرار می‌دهد و بدین وسیله، موجب تحدید در حقوق دفاعی متهمان شده و آنان را در موضع ضعف قرار می‌دهد. که این امر در تعقیب جرایم اقتصادی موجب تحقق تساوی سلاح‌ها در قبال متهمان می‌شود؛ به عبارت دیگر، عدول از اصل برائت که اثر آن «معکوس شدن بار اثبات» می‌باشد با کاستن از ضعف مقام تعقیب و قدرت متهمان به جرایم اقتصادی، زمینه را برای تحقق تساوی سلاح‌ها میان طرف‌های دعوای کیفری فراهم می‌نماید.

اما نکته قابل توجه، اینکه «معکوس کردن بار اثبات» - همان‌طور که دادگاه اروپایی حقوق بشر معتقد است - باید تابع اصل قانونمندی باشد و بدون تصریح قانون نمی‌توان براساس عرف قضایی یا پلیسی نسبت به معکوس کردن بار اثبات اقدام نموده و ضوابط مربوط به آن باید محدود به موارد خاص باشد و امری استثنایی تلقی شود و نباید به عنوان یک اصل محسوب می‌شود؛ بلکه باید به عنوان یک اماره نسبی تلقی گردد که در هر حال، متهم بتواند خلاف آن را ثابت نماید. به علاوه، عبارات قانونی دال بر فرض مجرمیت یا معکوس کردن بار اثبات، باید عاری از هرگونه ابهام باشد و موارد مجاز نیز باید با قیود و شرایطی منطقی محدود گردد (قربانی، ۱۳۸۶: ۲۲۵).

در واقع تا هنگامی که متهم در دژ محکم برائت پنهان باشد هزینه کشف و اثبات جرم بر عهده کنشگران عدالت کیفری [از جمله دادستان] است و این امر موجب ایجاد هزینه‌های مزاد می‌گردد؛ از این رو با جابجایی بار اثبات، هزینه عدم اثبات جرم بر عهده متهم قرار داده می‌شود (جعفریان سوته، ۱۳۹۴: ۴۵) و بدین وسیله با معافیت دادستان از اثبات عناصر تشکیل دهنده جرم در قبال متهمان به جرایم اقتصادی امکان تحقق تساوی سلاح‌ها بین طرف‌های دعوای کیفری میسر می‌شود.

تجمیع اختیار تعقیب و تحقیق در مقام دادستان

۱. Drug trafficking act, ۲۰۰۶

۲. طبق بند ۷ ماده ۵ کنوانسیون پالمو: «هر یک از اعضاء می‌تواند ترتیباتی فراهم نماید که بار اثبات دلیل در رابطه با منشا قانونی عواید و یا سایر اموال ادعایی در معرض ضبط، به میزانی که چنین اقداماتی با اصول حقوق داخلی و طبع تشریفات قضایی و غیره آن در انطباق می‌باشد معکوس گردد». و طبق بند ۷ ماده ۱۲ این کنوانسیون: «دولت‌های عضو می‌توانند الزام شخص به ادای توضیح درباره مشروعیت منشا درآمد‌های مورد اتهام جرم یا دیگر اموال در معرض مصادره را مورد توجه قرار دهند» نظیر همین مضمون در بند ۸ ماده ۳۱ کنوانسیون مریدا بیان شده است.

تجمیع اختیار تعقیب و تحقیق در مقام دادستان، عدول از اصل تفکیک مقام تعقیب از مقام تحقیق است و بدین معناست که باید با حذف بازپرس که مقام تحقیق است اختیار امر تحقیق را به دادستان که مسؤول تعقیب و اقامه دعوی عمومی است سپرد تا به تبع آن در قبال متهمان به جرایم اقتصادی بتواند رسالت خود را در کشف جرم اقتصادی و تعقیب مرتکبان آن به نحو موثر انجام دهد؛ به عبارت روشنتر، باید به دادستان یا مقام تعقیب که در قبال بزهکاران اقتصادی در موضعی انفعالی و موقعیتی ضعیف قرار دارد اجازه دخالت در امر تحقیق داد تا به تبع نتایج و آثار ناشی از این اختیار، بتواند اقتدار و نفوذ بالای این دسته از بزهکاران و آثار منفی ناشی از آن را کنترل و تعادل و توازن بین خود و طرف دعوی خود را برقرار نماید. تجمیع اختیار تعقیب و تحقیق در شخص دادستان موجب دو اثر مهم است که به او در مقابل بزهکاران اقتصادی اقتدار می‌بخشد و برقراری تساوی سلاح‌ها میان دادستان و این دسته از بزهکاران را موجب می‌شود.

اثر اول تجمیع اختیار تعقیب و تحقیق در مقام دادستان، ایجاد انسجام و یکپارچگی در مرحله تحقیقات مقدماتی و تسریع در آن می‌باشد (باقری نژاد، ۱۳۹۴: ۲۶۳). تسریع در انجام تحقیقات مقدماتی، از جهت سلب فرصت زمانی از مجرمان اقتصادی در از بین بردن آثار و دلایل جرم، یکی از عوامل تقویت تساوی سلاح‌ها میان دادستان و متهمان است هر چند جرایم اقتصادی بلحاظ پیچیده بودن و دارا بودن مرتکبان با ویژگی‌های خاص، نیاز به دقت و تیزبینی دارد و اقتضای دادرسی عادلانه و دقیق، طولانی بودن رسیدگی به این جرایم است لکن عدم تسریع در رسیدگی به این جرایم، خود فرصتی برای اعمال نفوذ از ناحیه مجرمان اقتصادی را فراهم می‌نماید؛ توضیح آنکه عدم سرعت و انسجام در رسیدگی به دعوی کیفری، به طور معمول، موجب از بین رفتن آثار و دلایل جرم شده و یا آن را از قابلیت استناد برای اثبات بزهکاری متهم خارج می‌نماید؛ بویژه در مواردی که مجرم اقتصادی از مصادیق اشخاص حقوقی؛ نظیر شرکت یا سازمان بوده و دلایل و مدارک و آثار جرم نزد آنان باشد. اگر تسریع در جمع آوری مدارک و دلایل و بررسی بموقع آن صورت نگیرد براحتمی می‌توانند از فرصت ناروای پیش آمده، در جهت امحاء و یا جابجایی آثار و دلایل جرم استفاده نمایند و بدین وسیله دادستان و یا هر مقام قضایی رسیدگی کننده را در کشف حقیقت و اجرای عدالت ناکام سازند.

اثر دوم تجمیع اختیار تعقیب و تحقیق در مقام دادستان، امکان صدور قرار بازداشت موقت متهمان یا مجرمان یقه سفید از ناحیه دادستان در مرحله تحقیقات مقدماتی است که صدور این قرار، از این جهت به دادستان در قبال این دسته از بزهکاران قدرت می‌بخشد که می‌تواند آنان را کنترل نماید تا نتوانند با آزادی بیشتری در مرحله تحقیقات، از طریق اعمال نفوذ ناروا و به طریقی؛ مانند تهدید یا تطمیع شهود و یا سایر آثار و دلایل جرم ارتكابی را از بین ببرند؛ زیرا بزهکاران اقتصادی؛ بواسطه موقعیت بالای اجتماعی یا اقتصادی یا سیاسی و یا ارتباط با افراد دارای این موقعیت‌ها و دارا بودن قدرت و نفوذ، براحتمی می‌توانند آثار و دلایل جرم را مخفی و یا محو و نابود سازند و یا از طریق تبانی با شهود و یا کارشناسان و نظیر آن، جریان تعقیب و تحقیق را از مسیر عادلانه خود منحرف نمایند. بنابراین بازداشت موقت، می‌تواند تا حدودی جلوی این فرصت طلبی متهمان به جرایم اقتصادی را بگیرد تا دادستان بتواند با فراغ بال بیشتر و بدون هیچگونه دغدغه‌ای، امر تعقیب و تحقیق را انجام نماید.

لکن باید توجه داشت که اختیار دادستان به عنوان یک طرف دعوی کیفری در سلب آزادی طرف دعوی خود (متهم) باید محدود به ضوابط و شرایطی خاص و مصرح در قانون باشد و مورد نظارت و کنترل از ناحیه مقامی بی طرف قرار گیرد تا بدین وسیله هرگونه باب سوءاستفاده از این اختیار بر روی دارنده آن (دادستان) مسدود گردد؛ به همین جهت می‌بینیم که در مقررات کیفری غالب کشورها صدور قرار بازداشت موقت محدود به شرایطی خاص گردیده است و در کشورهایی که نظام حذف بازپرس و سپردن وظیفه تحقیق به دادستان را پذیرفته‌اند- مانند ایتالیا و آلمان- نظارت برقرارهای محدودکننده آزادی و قرارهای

نهایی دادستان را بر عهده قاضی بی‌طرف سپرده‌اند که در ایتالیا «قاضی تحقیقات ابتدایی»^۱ و در آلمان «قاضی دادگاه منطقه‌ای»^۲ نامیده می‌شود. در آمریکا این نقش نظارتی در مرحله تأیید کیفرخواست و جرایم مهم بر عهده «هیأت منصفه عالی»^۳ می‌باشد (یوسفی، ۱۳۹۰: ۲۱۶).

در نظام کیفری ایران، تجمیع اختیار تعقیب و تحقیق در مقام دادستان به عنوان استثنایی بر اصل تفکیک مقام تعقیب از مقام تحقیق پذیرفته شده است و این مطلب به صراحت از ماده ۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری استنباط می‌شود؛ زیرا طبق این ماده هر چند، تحقیقات مقدماتی تمام جرایم بر عهده بازپرس است لکن در صورت کمبود بازپرس، جز در یک دسته از جرایم مهم، دادستان می‌تواند وظایف بازپرس مبنی بر تحقیق را انجام دهد. لکن برخلاف کشورهای پیش گفته، در ایران نهادی که از نزدیک و به طور مستقیم بر عملیات تحقیق بوسیله دادستان و آثار ناشی از آن؛ مانند بازداشت موقت، نظارت نماید وجود ندارد و تنها در صورت اعتراض متهم به قرار بازداشت موقت یا قرار تأمین منتهی به بازداشت موقت در ظرف مهلت‌های مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری، دادگاه صالح دخالت نموده و به این اعتراض رسیدگی می‌نماید.^۴

محدودیت دخالت وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی

شرکت وکیل در مرحله تحقیقات و بازجویی‌های مقدماتی از جهت تضمین حقوق دفاعی متهم، واجد ارزش تعیین کننده‌ای است و از این رو، هم در قوانین کیفری کشورها و هم در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر مورد توجه بسیار قرار گرفته است؛ حق برخورداری از وکیل، مبتنی بر اراده ایجاد تعادل و توازن میان نهاد تعقیب و دادگاه به عنوان نیروهای صاحب قدرت و متخصص از یک سو، با افراد عادی و غیر متخصص و ناتوان از سوی دیگر است؛ به نحوی که با حضور وکیل مدافع، سعی می‌شود تعادل مربوط تا حد زیادی برقرار شود (نصر اصفهانی، ۱۳۸۶: ۳) لکن در برخی از جرایم مهم؛ نظیر جرایم اقتصادی، حضور بدون محدودیت و آزادانه وکیل در همان مراحل اولیه بازجویی و تحقیق می‌تواند امر کشف این جرایم و تعقیب مرتکبان آن را برای دادستان دشوار نموده و موازنه سلاح‌ها میان طرفین دعوا را بر هم بزند. لازمه برقراری تساوی سلاح‌ها و امکان کشف و تعقیب موثر جرم در چنین مواردی، محدودیت در حضور و مداخله وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی است؛ آنچه که این الزام را در جرایم اقتصادی توجیه می‌کند پیچیدگی فرایند ارتکاب این جرایم و حرفه‌ای بودن مرتکبان آن، از جهت عدم اقرار و همکاری و اغلب سازمان یافته بودن جرایم مذکور است که تحصیل دلیل برای مقامات تعقیب در جهت کشف جرایم اقتصادی را دشوار می‌نماید که حضور وکیل در همان مراحل اولیه بازجویی می‌تواند صعوبت و دشواری‌های مقام تعقیب در تحصیل دلیل را دو چندان نماید؛ زیرا وکلا به طور غالب، با استفاده از خلأهای قانونی و سوءاستفاده از ضعف تخصص و عدم آموزش نیروهای پلیس در تعقیب و تحقیق پیرامون جرایم اقتصادی، مانع دستیابی مأموران تعقیب به دلایل کافی برای مستندسازی ادعاهای خود می‌شوند.

از طرف دیگر با توجه به گرایش سیاست جنایی جهانی به حذف بازپرس و تجمیع وظیفه تعقیب و تحقیق در یک مقام، دادستان، دیگر فقط طرف دعوای کیفری متهم نیست که در صدد تحصیل و دلایل علیه متهم باشد بلکه همزمان با آن، برای دستیابی به دلایل له متهم تلاش می‌نماید. بنابراین نباید تصور شود که ایجاد محدودیت در حضور و مداخله وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی، به معنای مجال دادن به دادستان به عنوان یک طرف دعوای کیفری برای پیروزی بر طرف دعوای خود که متهم است می‌باشد بلکه این محدودیت، همانند معکوس شدن بار اثبات دلیل، در راستای تسهیل تحصیل دلیل برای کشف جرایم

۱. Pre-Trial Judge

۲. Ermittlungsrichter

۳. Grand Jury

۴. مواد ۲۴۲، ۲۷۰ و ۲۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲.

اقتصادی و تعقیب متهمان به ارتکاب آن به کار می‌رود و به عبارت دیگر، در پی آن است که کشف حقیقت صورت گیرد نه این که با سوء استفاده از نبود وکیل، در صدد تحصیل دلایل غیرواقعی علیه متهم باشد. محدودیت در حضور و مداخله وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی در حقوق کیفری داخلی برخی کشورها پیش‌بینی شده است که البته محدود به جرایم خاصی است؛ نظیر حقوق کیفری فرانسه که طبق ماده ۴-۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری، اگر شخص به علت یکی از جرایم مذکور در بندهای شماره ۴، ۶، ۷، ۸ و ۱۵ ماده ۷۳-۷۰۶ تحت نظر قرار گرفته باشد در پایان چهل و هشت ساعت بعد از تحت نظر، وکیل می‌تواند با شخص مورد نظر ارتباط برقرار کند. در صورتی که شخص به خاطر یکی از جرایم مذکور در بندهای شماره ۳ و ۱۱ همین ماده تحت نظر قرار گرفته باشد در پایان هفتاد و دو ساعت بعد از تحت نظر، امکان گفتگو و ملاقات وکیل با وی وجود دارد. در ماده ۵۸ قانون پلیس و دلایل کیفری سال مصوب^۱ ۱۹۸۴ این امکان برای پلیس پیش‌بینی شده است که در برخی از موارد از پذیرش وکیل متهم خودداری نماید. از جمله در جرایمی از قبیل تروریسم و یا در مواردی که حضور وکیل یا خطر تخریب دلایل همراه باشد (حیدری و فتحی، ۱۳۹۳: ۲۰-۱۹).

در نظام کیفری ایران، به موجب ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸، به طور تقریبی، در تمام جرایم، حق متهم به همراه داشتن وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی به اختیار قاضی واگذار شده است؛ زیرا در تبصره این ماده آمده است: «در مواردی که موضوع جنبه محرمانه دارد یا حضور غیر متهم به تشخیص قاضی موجب فساد گردد و همچنین در خصوص جرایم علیه امنیت کشور، حضور وکیل در مرحله تحقیق با اجازه دادگاه خواهد بود» لکن با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۲، در ماده ۴۸ این قانون مقرر شد: «با شروع تحت نظر قرار گرفتن، متهم می‌تواند تقاضای حضور وکیل نماید وکیل باید با رعایت و توجه به محرمانه بودن تحقیقات و مذاکرات، با شخص تحت نظر ملاقات نماید و وکیل می‌تواند در پایان ملاقات با متهم که نباید بیش از یک ساعت باشد ملاقات کتبی خود را برای درج در پرونده ارائه دهد- تبصره- اگر شخص به علت ارتکاب یکی از جرایم سازمان‌یافته و یا جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور و یا جرایم مربوط به مواد مخدر و روانگردان و یا جرایم موضوع بندهای (الف)، (ب) و (پ) ماده ۳۰۲ این قانون، تحت نظر قرار گیرد، تا یک هفته پس از شروع تحت نظر قرار گرفتن امکان ملاقات با وکیل را دارد». لکن تبصره مذکور در اصلاحیه بعدی قانون آیین دادرسی کیفری در مورخه ۱۳۹۴/۳/۲۴ به این شرح اصلاح گردید: «تبصره- در جرایم امنیت داخلی یا خارجی و همچنین جرایم سازمان یافته که مجازات آنها مشمول ماده (۳۰۲) این قانون است، در مرحله تحقیقات مقدماتی، طرفین دعوی، وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تأیید رییس قوه قضاییه باشد انتخاب می‌نمایند. اسامی وکلای مزبور توسط رییس قوه قضاییه اعلام می‌گردد». بدیهی است الزام متهم به انتخاب وکیل خود از لیست وکلای مورد تأیید رییس قوه قضاییه نوعی محدودیت در حق متهم در انتخاب آزادانه وکیل تلقی می‌شود.

محدودیت در حضور و مداخله وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی، در اسناد و رویه دیوان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نیز، در شرایط استثنایی پیش‌بینی شده است؛ طبق اصل پانزدهم مجموعه اصول حمایت از همه اشخاص تحت هر شکل بازداشت یا حبس (قطعنامه ۴۳/۱۷۳ مجمع عمومی سازمان ملل متحد مصوب ۹ دسامبر ۱۹۸۸)^۱؛ «به جز موارد استثنایی قید شده در بند چهارم اصل ۱۶ و بند سوم اصل ۱۸، تماس فرد بازداشتی یا محبوس با جهان خارج و به خصوص با خانواده و مشاور حقوقی‌اش نباید بیش از چند روز منع شود». بند ۴ اصل ۱۶ مجموعه اصول مذکور که مربوط به آگاه سازی متهم از حقوق دفاعی خویش و خانواده و نزدیکان وی از موضوع بازداشت او می‌باشد مقرر نموده: «هرگونه آگاه سازی که در این اصل بدان اشاره

۱. Police and criminal evidence Act, ۱۹۸۴

۱. Body of Principles for the protection of All Persons under Any Form of Detention or Imprisonment, General Assembly Resolution ۴۳/۱۷۳-۹ December ۱۹۸۸.

شده است باید بی‌درنگ انجام گرفته یا اجازه داده شود که انجام گیرد. اما مقامات دارای صلاحیت می‌توانند در صورتی که ضرورت فوق‌العاده در انجام تحقیقات چنین ایجاب می‌نماید این آگاه‌سازی را به مدت معقولی به تأخیر بیندازید». برابر بند ۳ اصل ۱۸: «حق فرد در بازداشت با زندان برای داشتن ملاقات و تماس و مشاوره بدون تأخیر و سانسور و بصورت کاملاً محرمانه با وکیل قانونی خود نباید تعلیق یا محدود شود، مگر در شرایط استثنایی که در قانون یا مقررات قانونی مشخص شده باشد و نیز از نظر یک مقام قضایی یا مقام مسئول دیگر این کار بخاطر حفظ امنیت و نظم اکیداً ضروری تشخیص داده شود». سند اصول بنیادین نقش و کلاً، ضمن اصل هفتم، قید ۴۸ ساعتی را به رسمیت شناخته که حکومت‌ها می‌توانند از زمان دستگیری یا بازداشت فرد متهم اقدامی جهت دسترسی متهم به وکیل نکنند و به موجب این اصل اقدام آن توجیه شود (ضیائی فر، ۱۳۸۶: ۴۲۸). همچنین در موازین بین‌المللی حقوق بشر و از جمله در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، شرایط اضطراری^۲ به عنوان وضعیتی معرفی شده که دولت‌ها می‌توانند از اجرای تعهدات بین‌المللی خود عدول و یا آن را معلق نمایند که حق بهره‌مندی از وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی می‌تواند در زمره این تعهدات باشد. کمیسیون اروپایی حقوق بشر نیز معتقد است که بعضی از محدودیت‌ها در حق مشورت با وکیل انتخابی جهت حذف خطر تبانی در شرایط استثنایی مجاز خواهد بود (هاشمی، ۱۳۹۲: ۷۱).

تسهیل و توسعه قلمرو تعرض به حق آزادی و حریم خصوصی متهمان

یکی دیگر از الزامات غلبه بر صعوبت و دشواری کشف جرایم اقتصادی و تحقق تساوی سلاح‌ها میان دادستان و متهمان به ارتکاب این جرایم که در قوانین جزایی کشورها و برخی اسناد بین‌المللی پیش‌بینی شده است تسهیل و توسعه قلمرو تعرض به حق آزادی یا حق حریم خصوصی متهمان یا مجرمان اقتصادی است؛ حقوقی که در اغلب جرایم، در پرتو آن، از متهم حمایت می‌شود و دادرسی عادلانه تضمین می‌گردد لکن به واسطه وجود پاره‌ای تفاوت‌ها در جرایم اقتصادی و مرتکبان آن، لازم است که در دامنه این حقوق تغییر، تعدیل یا محدودیت ایجاد شود تا در پی آن، از اقتدار متهم که از موقعیت برتر در مقابل دادستان برخوردار است کاسته شود و بدین وسیله، امکان تحقق تساوی سلاح‌ها میان دو طرف دعوای کیفری وجود داشته باشد. این حقوق که باید محدود و قلمرو تعرض به آن در قانون تسهیل و توسعه پیدا نماید در دو قسمت قابل مطالعه است؛ تسهیل و توسعه قلمرو تعرض به حق آزادی متهمان و تسهیل و توسعه قلمرو تعرض به حریم خصوصی متهمان.

تسهیل و توسعه قلمرو تعرض به حق آزادی متهمان

منظور از تعرض قانونی به حق آزادی؛ سلب یا تهدید آزادی شهروندان در جامعه است که در اغلب نظام‌های دادرسی کیفری، به یکی از این سه شکل محقق می‌شود؛ جلب یا دستگیری، تحت نظر قرار دادن و بازداشت موقت. منظور از تسهیل تعرض قانونی به آزادی تردد مظنون یا متهمان در جرایم اقتصادی، حذف تشریفات و ضوابط لازم الرعایه مقرر در قانون و یا عدم الزام مقام قضایی به رعایت چنین تشریفات و ضوابطی در قبال سلب آزادی این دسته از مظنونان و متهمان می‌باشد و منظور از توسعه قلمرو تعرض قانونی به آزادی تردد، افزایش مدت تحت نظر یا بازداشت مظنونان یا متهمان است.

جلب و دستگیری، در مرحله تحقیقات مقدماتی، اقدامی است که به موجب آن، مظنون به طور موقت و به عنف برای تحقیق در اختیار ضابطان و سپس مقام قضایی قرار می‌گیرد (آشوری، ۱۳۸۸: ۱۵۵) و به عبارت دیگر، جلب، نوعی دستگیری شخص احضار شونده به دستور مقام قضایی است که از طریق مأمور ضابط اجرا می‌شود (جوئیاری، ۱۳۸۶: ۶۶). یکی از اقتضانات دادرسی منصفانه در جهت جلوگیری از سلب

۱. Basic Principles on the Role of Lawyers; Adopted by the Eighth United Nations Congress on the prevention of Crime and the Treatment of offenders, Havana, Cuba; ۲۷ August to ۷ September ۱۹۹۰.

۲. States of emergency

غیرقانونی آزادی افراد و اخلال به حق دفاع متهمان که مورد تأکید در نظام‌های دادرسی کیفری است این که جلب، باید به دستور مقام قضایی، بوسیله ضابطین دادگستری و مسبوق به احضار متهم و عدم حضور غیر موجه وی در وقت مقرر و مقرون به دلایل و قراین و امارات کافی صورت گیرد (پرویزی فرد، ۱۳۹۱: ۷۸)؛ همان طور که در نظام کیفری ایران، ماده ۱۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد؛ «بازپرس نباید بدون دلیل کافی برای توجه اتهام، کسی را به عنوان متهم احضار یا جلب کند» و طبق ماده ۱۷۹ قانون مذکور؛ «متهمی که بدون عذر موجه حضور نیاید یا عذر موجه خود را اعلام نکند به دستور بازپرس جلب می‌شود». در حقوق انگلیس نیز به منظور صدور حکم جلب^۱، علاوه بر ضرورت وجود دلایل کافی، سوگند کتبی متقاضی دایر به صحت ادعای توجه به اتهام نیز لازم است (موذن زادگان، ۱۳۸۹: ۳۰۷). با اینحال، در موارد استثنایی که بزه انتسابی از درجه اهمیت والا برخوردار است و بیم تبانی یا فرار یا اخفای متهم وجود دارد به منظور تضمین حضور متهم در تمامی مراحل دادرسی کیفری از یک سو و تضمین اجرای عدالت از سوی دیگر، ضرورت دارد که در امر جلب متهمان تسهیل صورت گیرد تا بدین وسیله موازنه قوا بین طرف-های دعوای کیفری برقرار شود.

یکی از موارد تسهیل جلب متهمان، جلب بدون نیاز به احضار آنان است که طبق معمول، در جرایم مهم که جرایم یقه سفیدی از مصداق آن می‌تواند باشد رعایت می‌گردد؛ مانند جرایم تعزیری درجه پنج و بالاتر و یا جرایم سازمان یافته^۲ در نظام دادرسی کیفری ایران که بازپرس در خصوص متهمان به ارتکاب این جرایم می‌تواند بدون آن که ابتدا احضار به فرستاده باشد دستور جلب متهم را صادر نماید (بند پ و ت ماده ۱۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری)؛ همینطور در نظام کیفری انگلستان، به موجب ماده ۲۴ قانون عدالت کیفری مصوب ۱۹۶۷، مقام قضایی می‌تواند در جرایم قابل کیفر خواست^۳ یا جرایمی که کیفر آن حبس است از ابتدا و بدون نیاز به احضار، دستور جلب متهم را صادر نماید. یکی دیگر از موارد تسهیل جلب متهمان، امکان جلب آنان با دستور قاضی و توسط ضابطان از سراسر کشور است بدون آن که نیاز به اعطای نیابت به مقام قضایی حوزه دیگر باشد؛ مانند آنچه که در نظام کیفری ایران مطرح است که ضابطان دادگستری تنها در حوزه قضایی محل مأموریت خویش می‌توانند اقدام به انجام وظیفه نمایند و قضات هم با اعطای نیابت وظیفه دستور جلب را محول می‌کند که این امر مخالف با اصل سرعت در رسیدگی کیفری به جرایم اقتصادی است در حالی که در حقوق بعضی از کشورها، نظیر انگلستان، قلمرو مکانی وظیفه نیروی پلیس منطقه ای^۴ که رسالت جلب متهمان را به موجب ماده ۳۰ قانون پلیس^۵ مصوب ۱۹۹۶ برعهده دارد سراسر انگلستان است (شاکری و بابایی، ۱۳۹۵: ۲۱۰).

تسهیل و افزایش مدت تحت نظر یا بازداشت از این جهت به عنوان یکی از لوازم تحقق تساوی سلاح‌ها در جرایم اقتصادی محسوب می‌شود که در این جرایم، متهمان، بواسطه دارا بودن موقعیت بالای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و به عبارتی تعلق به قدرت یا ثروت، براحتی می‌توانند جهت تضمین حضور خود، وجه الضمان یا وثیقه بپردازند و یا با اعمال نفوذ ناروا، موجب لغو تحت نظر بودن خود یا تغییر قرار تأمین صادر شده و بدین وسیله از بازداشت خود در مرحله تحقیقات مقدماتی که می‌تواند نقش سازنده‌ای در حصول براءت و فرار از چنگال عدالت داشته باشد جلوگیری نمایند. بنابراین برای جلوگیری از اعمال نفوذ متهمان در جهت تبانی یا تطمیع یا تهدید شهود و مداخله در شواهد و دلایل و یا انجام اقدامات دیگر برای ممانعت از

۱. The warrant of arrest

۲. اغلب مصداق جرایم اقتصادی؛ نظیر ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری، از جرایم تعزیری درجه پنج و بالاتر به شمار می‌روند که معمولاً به صورت سازمان یافته واقع می‌شوند.

۳. Criminal Justice Act ۱۹۶۷

۴. Indictable Offence

۱. Territorial Police Forces

۲. Police Act ۱۹۹۶

اجرای عدالت که به نوبه خود سلاح دادستان را در امر تعقیب و تحقیق در جرایم اقتصادی باچالش مواجه می‌کند تسهیل و افزایش مدت تحت نظر یا بازداشت و یا لزوم صدور قرار بازداشت موقت ضرورت دارد؛ زیرا، از یک طرف، از جمله اقداماتی که برای پیشرفت بازجویی، اساسی و مهم تلقی می‌شود تحت نظر قرار دادن فردی است که احتمال وقوع بزه توسط وی وجود دارد (مجیدی، ۱۳: ۱۵۸) از این جهت که در مدت تحت نظر قرار دادن متهم است که اغلب، اولین علایم و مشخصه‌های انتساب ارتکاب جرم به متهم بدست می‌آید؛ در جرایم اقتصادی به دلیل پیچیدگی و گستردگی فرایند ارتکاب جرم و ویژگی‌های خاص مرتکبان آن؛ بویژه از جهت توسل به حیله و نیرنگ و عملیات مخفی‌کاری در انجام جرم و بخصوص در مواردی که جرایم اقتصادی در نتیجه فعالیت گروهی و در چهارچوب اهداف تجاری شرکت‌ها واقع می‌شوند و یا آثار و نتایج جرم، فراتر از مرز یک کشور باشد؛ تحت نظر قرار دادن یا بازداشت متهم به مدت محدود؛ به مانند سایر جرایم، نمی‌تواند در احراز انتساب جرم به متهم و شناسایی شرکا و معاونین جرم و جلوگیری از آثار سوء ناشی از آزادی متهم در محو آثار و دلایل جرم و تبانی با شهود و سایر اقدامات منتهی به عدم اجرای عدالت موثر باشد.

البته قاعده عمومی در مورد مدت تحت نظر در حقوق کیفری اغلب کشورها؛ از جمله ایران و فرانسه، ۲۴ ساعت است که قانونگذاران بعضی از کشورها، این مدت را در جرایم مهم؛ نظیر جرایم اقتصادی قابل تمدید داشته‌اند؛ از جمله قانونگذاران فرانسوی که در ماده ۸۸-۷۰۹ قانون آیین دادرسی کیفری اصلاحی ۹ مارس ۲۰۰۴ میلادی بیان کرده است که مدت تحت نظر بودن برای جرایمی که در ماده ۲۳-۷۰۶ قانون مذکور ذکر شده است، می‌تواند در دو نوبت ۲۴ ساعته دیگر تمدید شود (همان: ۱۶۰). برخی از این جرایم؛ نظیر جنحه‌های قاچاق مواد مخدر و جنحه‌های پولشویی از مصادیق جرایم اقتصادی تلقی می‌شود. در حالی که متأسفانه در نظام دادرسی ایران، تمدید مدت تحت نظر به بیش از ۲۴ ساعت پیش‌بینی نشده و از این حیث فرقی بین جرایم مهم و عادی قایل نشده است و در هر صورت و در همه جرایم، تحت نظر قرار دادن متهم بیش از ۲۴ ساعت، ممنوع و بازداشت غیرقانونی محسوب می‌شود.^۱

همینطور، بازداشت موقت متهمان نیز در نظام کیفری کشورهای جهان مقید به زمان معینی است که در پرونده‌های مربوط به تحقیق پیرامون جرایم مهم قابل تمدید است. در نظام کیفری آلبانی، امکان تمدید دوره بازداشت قبل از محاکمه تا دو سال و در برخی از پرونده‌های خاص تا سه سال پیش‌بینی شده است (جوآنمرد، ۱۳۹۳: ۲۹۰). در حقوق کیفری فرانسه، به موجب ماده ۱۴۵-۱ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه اصلاحی ۲۰۰۷ که در رابطه با امور جنحه می‌باشد «مدت کل بازداشت نباید بیش از یکسال باشد اما این محدوده زمانی در صورتی که یکی از اجزای تشکیل دهنده جرم در خارج از منطقه سرزمینی ملی صورت گرفته باشد و یا شخص برای قاچاق مواد، تروریسم، دسیسه چینی جنایی، زندگی کردن از راه درآمدهای غیراخلاقی، اخاذی پول، و یا یک جنایت ارتکاب یافته توسط یک گروه سازمان یافته تحت پیگرد باشد و حکم آن حبس به مدت ده سال باشد، این محدوده زمانی به دو سال گسترش می‌یابد». در

۱. طبق ماده ۱۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: «ضابطان دادگستری مکلفند متهم جلب شده را بلافاصله نزد بازپرس بیاورند و در صورت عدم دسترسی به بازپرس یا مقام قضایی جانشین، در اولین وقت اداری، متهم را نزد او حاضر کنند. در صورت تأخیر از تحویل فوری متهم، باید علت آن و مدت زمان نگهداری در پرونده درج شود. به هر حال مدت نگهداری متهم تا تحویل وی به بازپرس یا قاضی کشیک نباید بیش از بیست و چهار ساعت باشد. تبصره- رعایت مقررات مواد (۴۹) تا (۵۳) این قانون در خصوص متهمان موضوع این ماده الزامی است». و مطابق با ماده ۱۸۹ قانون مذکور؛ «بازپرس مکلف است بلافاصله پس از حضور یا جلب متهم، تحقیقات را شروع کند و در صورت عدم امکان، حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت از زمان تحت نظر قرار گرفتن او توسط ضابطان دادگستری، با رعایت ماده (۹۸) این قانون، مبادرت به تحقیق نماید. در صورت غیبت یا عذر موجه بازپرس یا امتناع وی از شروع تحقیقات به دلایل قانونی، دادستان انجام تحقیقات را به بازپرس دیگر یا در صورت اقتضا به دادرس دادگاه محول می‌کند. تبصره- تحت نظر قرار دادن متهم بیش از بیست و چهار ساعت، بدون آنکه تحقیق از او شروع یا تعیین تکلیف شود، بازداشت غیر قانونی محسوب و مرتکب به مجازات قانونی محکوم می‌شود».

ادامه ماده ۱۴۵-۲ همین قانون شرایط سخت‌تری را برای متهم به یک جنایت در نظر گرفته است؛ «برای اتهام جنایت^۱، شخص تحت بازجویی قضایی را نباید به مدت بیشتر از یک سال در بازداشت نگه داشت اما مطابق با مفاد ماده ۱۴۵-۳، قاضی آزادی و تحقیق می‌تواند در زمان انقضای این محدوده زمانی، بازداشت را به مدت حداکثر شش ماه تمدید نماید... شخص تحت بازجویی قضایی را نمی‌توان به مدت بیش از دو سال در بازداشت نگهداشت. در صورتی که مجازات قانونی کمتر از بیست سال زندان باشد و برای مدت بیش از سه سال در سایر موارد؛ محدوده زمانی در صورتی که یکی از عناصر تشکیل‌دهنده جرم در خارج از خاک فرانسه اتفاق افتاده باشد به ترتیب به سه و چهار سال افزایش می‌یابد. محدودیت زمانی در صورتی که شخص برای قاچاق مواد، تروریسم، زندگی کردن با درآمد غیراخلاقی، اخاذی، پول، و یا جرم ارتکاب یافته توسط یک گروه مجرمانه سازمان‌یافته تحت پیگرد باشد چهار سال خواهد بود» (همان: ۲۹۱).

در خصوص تمدید بازداشت در مقررات جزایی ایران، طبق ماده ۲۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲؛ «هر گاه در جرایم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده ۳۰۲ این قانون تا دو ماه و در سایر جرایم تا یک ماه به علت صدور قرار تأمین، متهم در بازداشت بماند و پرونده اتهامی او منتهی به تصمیم نهایی در دادسرا نشود، بازپرس مکلف به فک یا تخفیف قرار تأمین است. اگر علل موجهی برای بقای قرار وجود داشته باشد، با ذکر علل مزبور، قرار، ابقاء و مراتب به متهم ابلاغ می‌شود... هر گاه بازداشت متهم ادامه یابد مقررات این ماده، حسب مورد، هر دو ماه یا هر یک ماه اعمال می‌شود. به هر حال مدت بازداشت متهم نباید از حداقل مجازات حبس مقرر در قانون برای آن جرم تجاوز کند و در هر صورت در جرایم موجب مجازات سلب حیات مدت بازداشت موقت از دو سال و در سایر جرایم از یکسال تجاوز نمی‌کند». همچنین طبق ماده ۳۷ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام؛ «طول مدت بازداشت موقت به هر حال بیش از ۴ ماه نخواهد بود، چنانچه در مدت مذکور پرونده اتهامی منتهی به صدور حکم نشده باشد مرجع صادر کننده قرار، مکلف به فک و تخفیف قرار تأمین فوق می‌باشد مگر آنکه جهات قانونی یا علل موجهی برای ابقاء قرار بازداشت وجود داشته باشد که در این صورت با ذکر علل و جهات مزبور قرار ابقاء می‌شود».

در اسناد بین‌المللی؛ نظیر کنوانسیون پالرمو و کنوانسیون مریدا، مقررات صریحی راجع به پیشنهاد افزایش مدت بازداشت و تحت نظر به کشورهای عضو وجود ندارد؛ با این حال، طبق بند ۳ ماده ۱۱ کنوانسیون پالرمو؛ «در خصوص جرایم این کنوانسیون، تمامی کشورهای عضو، طبق قوانین داخلی خود و با توجه به حق دفاع، تضمین خواهند کرد شرایط مقرر در رابطه با تصمیمات مربوط به آزادی تا زمان محاکمه یا تا زمان تجدیدنظرخواهی، ضرورت حضور متهم در مراحل بعدی دادرسی را در نظر بگیرند» و نیز برابر بند ۴ ماده ۳۰ کنوانسیون مریدا؛ «در ارتباط با جرایم این کنوانسیون، هر کشور عضو با رعایت قوانین داخلی خود و با عنایت به حق دفاع متهم، تدابیر شایسته را به منظور اطمینان از این که در شرایط مقرر در حکم آزادی متهم تا برگزاری محاکمه و یا پژوهش، ضرورت حضور متهم در رسیدگی‌های کیفری بعدی پیش‌بینی شده است اتخاذ خواهد کرد». در واقع این مقررات بر الزام کشورهای عضو به تدوین مقررات و انجام اقداماتی براساس آن در رابطه با تضمین حضور متهم در تمامی مراحل مختلف رسیدگی کیفری و جلوگیری از فرار وی تصریح دارند که بدیهی است مصداق بارز این مقررات و اقدامات مبتنی بر آن، ضوابط و مقررات مرتبط با بازداشت و تحت نظر قرار دادن متهمان و تمدید مدت آن در جرایم مهم می‌باشد که شاید لازم است که به توانایی متهم برای تبانی یا تطمیع یا تهدید شهود و مداخله در شواهد و دلایل و یا انجام اقدامات دیگر برای ممانعت از اجرای عدالت توجه شود (همان: ۲۸۹).

تسهیل و توسعه قلمرو تعرض به حریم خصوصی متهمان

امروزه، حق اشخاص در حمایت و مصون بودن از تعرض به حریم خصوصی یکی از حقوق و آزادی‌های بنیادین محسوب می‌شود که از مفاهیم نظام‌های حقوقی توسعه یافته است و با کرامت انسان‌ها نیز ارتباطی

نزدیک دارد (مؤذن زادگان و جهانی، ۱۳۹۴: ۱۷۴)؛ مصونیت از تعرض به مسکن، اقامتگاه، اسناد، مدارک، مراسلات، مکاتبات و مکالمات افراد، در حقوق داخلی کشورها و اسناد بین‌المللی، به عنوان یکی از حقوق مسلم افراد شناخته شده است که در نظام حقوقی ایران، در اصول ۲۲، ۲۵ و ۳۳ قانون اساسی و ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ بر احترام به حریم خصوصی اشخاص و حفظ کرامت و حیثیت آنان تأکید شده است.

در حقوق کیفری، مساله احترام به حریم خصوصی، اغلب در مرحله تحقیقات مقدماتی و در بحث تحصیل دلایل اثبات دعوی کیفری علیه متهم مطرح می‌شود و منظور، اینکه مجریان عدالت کیفری در تحصیل این دلایل، حریم خصوصی اشخاص را بطور کلی محترم بشمارند و از تعرض به آن خودداری نمایند. با این حال، عدم تعرض به حریم خصوصی افراد به عنوان یک قاعده مطلق و اصل غیر قابل عدول شناخته نمی‌شود و برای تأمین نظم و امنیت در جامعه و پیشگیری از جرایم و حفظ حقوق دیگران، ضرورت دارد دولت‌ها محدودیت‌هایی را بر حریم خصوصی افراد تحمیل نمایند^۱ تا در پی آن، مجریان عدالت کیفری بتوانند در جهت تعقیب و تحصیل دلایل ارتکاب جرم، حریم خصوصی متهمان را مورد تعرض قرار دهند که نمونه‌های آن؛ نظیر تفتیش و بازرسی منازل، اماکن، اشیاء و رهگیری مکاتبات و ارتباطات مخابراتی افراد در آیین دادرسی کشورها پیش بینی شده است لکن باید توجه داشت اعمال این محدودیت‌ها و تعرض‌ها باید منطبق بر قانون بوده و به صورت استثنایی و در موارد ضروری انجام شود و حدود و ثغور آنها مشخص باشد^۲ تا بدین وسیله حقوق فردی و کرامت انسانی متهمان حفظ شود و زمینه تحقق دادرسی عادلانه فراهم گردد. با این وجود، با توجه به پیچیدگی جرایم اقتصادی و کاربرد فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی پیشرفته در ارتکاب اغلب این جرایم و ویژگی‌های خاص مرتکبان آن، دیگر استفاده از شیوه‌های متعارف و سنتی در کشف و تعقیب این جرایم کارساز نبوده و لازم می‌آید وسایل و تدابیر نوینی مورد استفاده قرار گیرد؛ یکی از این تدابیر موثر و سازنده، تسهیل و توسعه تعرض قانونی به حریم خصوصی متهمان یقه سفید در جهت تحصیل دلایل اثبات جرم ارتكابی آنان می‌باشد تا بدین وسیله بتوان موازنه قوا بین طرف‌های دعوی کیفری را برقرار نمود و الا، اگر تعرض به حریم خصوصی متهمان در جرایم اقتصادی با همان تشریفات و ضوابط لازم الرعایه مقرر در قانون نسبت به متهمان عادی، انجام گردد به طور قطع، مقام قضایی و بویژه دادستان، به عنوان مقام تعقیب و یک طرف دعوا، موفقیت چندانی در تحصیل دلایل حاکی از کشف جرایم اقتصادی و تعقیب و شناسایی مرتکبان آن نخواهد داشت.

اهمیت احترام به حریم خصوصی، به عنوان یکی از حقوق و آزادی‌های بنیادین افراد بشر، نظام‌های کیفری را بر آن داشته است تا در این خصوص کمال احتیاط نموده و در تعرض به حریم خصوصی افراد، تشریفات و باید و نبایدهای ویژه‌ای را در قوانین داخلی کشورها مقرر نمایند؛ از جمله این که تعرض به حریم خصوصی باید در موارد ضروری انجام شود، مستند به دلایل اساسی باشد، با دستور مقام قضایی انجام شود، مراتب انجام آن محدود باشد، دفعات تعرض و زمان و مکان آن مشخص باشد^۳، از حدود و ثغوری که

۱. بند ۲ ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بند (۲) ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، بند (۲) ماده ۳۲ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، از جمله اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر هستند که بر اعمال محدودیت نسبت به حق حریم خصوصی در آن‌ها تصریح شده است.

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک: کوچ نژاد، عباس، (۱۳۸۳)، محدودیت‌های حقوق بشر در اسناد بین‌المللی، نشریه حقوق اساسی، شماره ۳، صص ۱۶۹-۱۷۸.

۲. بدیهی است هدف از وضع این تشریفات و محدودیت‌ها، پیشگیری از سوء استفاده از حقوق و آزادی‌های عمومی و نیز حفظ نظم عمومی می‌باشد.

۳. طبق ماده ۱۴۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲؛ «دستور مقام قضایی برای ورود به منازل، اماکن بسته و تعطیل، تحت هر عنوان باید موردی باشد و موضوعی که تفتیش برای آن صورت می‌گیرد، زمان، دفعات ورود، اموال، اماکن و نشانی آنها به صراحت

مشخص شده است نباید تجاوز کند، در برخی زمان‌ها و مکان‌ها نباید صورت گیرد^۱، نباید به صورت پنهان و در غیاب متهم انجام شود و نظایر آن. بدیهی است وجود این تشریفات پر پیچ و خم مقررات در آیین دادرسی کشورها، تحصیل ادله وقوع جرم از طریق تعرض قانونی به حریم خصوصی افراد را برای مقام قضایی دشوار می‌نماید؛ منظور از تسهیل تعرض قانونی به حریم خصوصی، حذف برخی از این تشریفات و بایدها و نبایدها و یا عدم الزام مقام قضایی به رعایت آنها در تعرض به حریم خصوصی متهمان یا مجرمان اقتصادی است تا بدین وسیله، کشف جرایم اقتصادی یا تحصیل ادله وقوع این جرایم برای مقام قضایی هموار و موازنه قوا بین طرف‌های دعوای کیفری برقرار شود؛ به عنوان مثال، در نظام دادرسی ایران، طبق ماده ۱۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری؛ «کنترل ارتباطات مخابراتی افراد ممنوع است، مگر در مواردی که به امنیت داخلی و خارجی کشور مربوط باشد یا برای کشف جرایم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده ۳۰۲ این قانون لازم تشخیص داده شود در این صورت با موافقت رییس کل دادگستری استان و با تعیین مدت و دفعات کنترل، اقدام می‌شود. کنترل مکالمات تلفنی اشخاص و مقامات موضوع ماده (۳۰۷) این قانون منوط به تأیید رییس قوه قضاییه است و این اختیار قابل تعویض به سایرین نمی‌باشد» و یا طبق ماده ۱۵۱ قانون مذکور؛ «بازپرس می‌تواند در موارد ضروری، برای کشف جرم و دستیابی به ادله وقوع جرم، حساب‌های بانکی اشخاص را با تأیید رییس حوزه قضایی کنترل کند». بدیهی است لزوم موافقت رییس کل دادگستری استان و یا رییس قوه قضاییه در کنترل ارتباطات مخابراتی و لزوم تأیید رییس حوزه قضایی در کنترل حساب‌های بانکی اشخاص از تشریفات است که موجب اطاله رسیدگی و تأخیر در اجرای عدالت نسبت به متهمان، بویژه در جرایم اقتصادی است که می‌توانند با بهره‌برداری از این فرصت، به راحتی حساب‌های بانکی خود را خالی و یا متوجه دستور مقام قضایی در کنترل ارتباطات مخابراتی خود شوند و با قطع آن، آثار و دلایل جرم را امحاء و کشف جرم از این طریق را بر مقام قضایی غیر ممکن یا دشوار نمایند.

در نظام دادرسی کشورهای مختلف نمونه‌هایی از مقررات آیین دادرسی کیفری مشاهده می‌شود که تعرض مقام تعقیب یا تحقیق به حریم خصوصی متهمان را تسهیل می‌نماید؛ به عنوان مثال در نظام جزایی فرانسه طبق ماده ۹۴ قانون آیین دادرسی کیفری؛ «در هر مکانی که می‌توان اشیاء یا داده‌های حاوی اطلاعات رایانه‌ای که کشف آنها برای ظهور حقیقت مفید است را پیدا کرد، بازرسی‌ها انجام می‌شود» که در واقع حکم این ماده، محدودیت مکانی در بازرسی را رفع و تعرض به حریم خصوصی را تسهیل نموده است؛ همینطور، در نظام دادرسی ایران طبق ماده ۱۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری؛ «تفتیش و بازرسی منزل در روز بعمل می‌آید و در صورتی هنگام شب بعمل می‌آید که ضرورت اقتضاء کند...» محدودیت زمانی در بازرسی را به شرط رعایت ضرورت، رفع نموده و بدین وسیله تعرض به حریم خصوصی را در روز و شب ممکن ساخته و به عبارتی تسهیل نموده است.

منظور از توسعه تعرض قانونی به حریم خصوصی که می‌تواند الزامی مفید برای تحقق تساوی سلاح‌ها در جرایم اقتصادی باشد افزایش مصادیق و تدابیر تعرض به حریم خصوصی متهمان در مقررات آیین دادرسی کیفری و رویه قضایی، نسبت به پاره‌ای از جرایم مهم؛ نظیر جرایم اقتصادی است که در واقع، برای کشف یا تحصیل ادله وقوع این جرایم - به جهت پیچیدگی جرایم مذکور و ویژگی‌های خاص مرتکبان آن در مقایسه با جرایم عادی - دیگر مصادیق و تدابیر سنتی تعرض به حریم خصوصی که در قانون پیش‌بینی شده‌اند؛ نظیر

مشخص شود. ضابطان مکلفند ضمن رعایت دستورهای مقام قضایی، کیفیت تفتیش و بازرسی و نتیجه را در صورت مجلس تنظیم کرده، آن را به امضاء یا اثر انگشت متصرف برسانند و مراتب را حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت به مقام قضایی اعلام کنند».

۱. به عنوان مثال، طبق ماده ۹۶-۷۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه؛ در جرایمی که به صورت سازمان یافته ارتکاب می‌شود نصب دستگاه ضبط و پخش تصاویر و صدای اشخاص متهم در محل کار یا اقامتگاه پزشک، سردفتر، مأمور اجرای دادگستری مؤسسه مطبوعاتی یا ارتباطات سمعی و بصری و وسیله نقلیه، دفتر یا اقامتگاه نمایندگان، سناتور، وکیل یا قاضی امکان پذیر نیست. همچنین طبق ماده ۵۹ قانون مذکور؛ جز در موارد استثنایی پیش‌بینی شده در قانون، تفتیش و بازرسی از محل اقامت اشخاص قبل از ساعت ۶ صبح و بعد از ساعت ۲۱ شب امکان پذیر نیست.

تفتیش و بازرسی منازل و وسایل نقلیه، کافی نبوده و توسعه این مصادیق و تدابیر، بویژه از طریق پیش بینی مصادیق نوین با استفاده از علوم جدید ضروری است تا بدین وسیله کشف جرایم اقتصادی که اغلب در فضای مجازی واقع می‌شود برای مقام قضایی هموار گردد.^۱

یکی از مصادیق نوین تعرض به حریم خصوصی که در کشف یا تحصیل ادله وقوع جرایم اقتصادی موثر است و در بعضی از نظام‌های کیفری با استفاده از علوم جدید به کار گرفته می‌شود ضبط محاورات و تصاویر اشخاص از طریق نصب مخفیانه میکروفن یا دوربین کوچک در مکان‌های بسته، محل‌های خصوصی یا عمومی و وسایل نقلیه است، همان طور که در نظام جزایی فرانسه این امر پذیرفته شده و مواد ۹۶-۷۰۶ تا ۱۰۲-۷۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری به موضوع ضبط صدا و تصاویر اشخاص اختصاص یافته است؛ البته قانونگذار فرانسوی صدا برداری و ضبط تصاویر را فقط در جرایم سازمان یافته مذکور در ماده ۷۳-۷۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری پذیرفته است که بعضی از این جرایم، نظیر قاچاق مواد مخدر و پولشویی از مصادیق جرایم اقتصادی تلقی می‌شوند. در مقررات جزایی ایران، هیچ نص قانونی دال بر مجوز مجریان عدالت کیفری در مورد تحصیل دلیل از طریق ضبط مخفیانه صدا یا تصویر وجود ندارد و قدر متقین این است که اقدام مقام تعقیب و تحقیق به تحصیل دلیل از این طریق، ممنوع بوده و نقض حریم خصوصی محسوب می‌شود؛ با این حال، گاهی ضابطین دادگستری برای کشف جرم اقدام به ضبط صدا یا تصویر نموده و رویه قضایی محاکم ایران نه تنها متعرض این امر نشده بلکه به این اسناد و مدارک به عنوان دلیل در کنار سایر ادله استناد می‌کند هر چند که اعتبار آن از لحاظ قانونی در حد یک قرینه و اماره قضایی است.

دیوان اروپایی حقوق بشر نیز به طور استثنایی برای کشف عملکرد نامشروع متهم که از طریق شیوه‌های عادی اثبات نشده‌اند به مقامات قضایی اجازه بررسی نامه‌های زندان و حتی شنود و ضبط مکالمات شخص متهم با سایر اشخاص را تحت نظارت مقام قضایی داده، ولی بیان داشته است که دخالت مقامات دولتی نباید فراسوی اهداف مشروع تعقیب پیش برود (باقری نژاد، همان: ۲۸۴).

یکی دیگر از مصادیق نوین تعرض به حریم خصوصی موثر در کشف یا تحصیل ادله وقوع جرایم اقتصادی، رهگیری ارتباطات اینترنتی است؛ نظیر ارتباط از طریق پست الکترونیکی یا ایمیل، واتساپ، تلگرام، اینستاگرام، مکالمه تلفنی اینترنتی و سایر ارتباطات اینترنتی. تحولات سریع و روز افزون فناوری اطلاعات و ارتباطات موجب ظهور شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای جهانی و بوجود آمدن یک فضای مجازی یا سایبری شده است که این فضا از یک طرف، موجب تسهیل ارتکاب بسیاری از جرایم برای بزه‌کاران شده، به طوری که بدون هیچگونه محدودیت زمانی و مکانی می‌توانند مرتکب جرم شوند؛ بویژه اینکه فضای مجازی بستری مهم برای اغلب جرایم اقتصادی است؛ نظیر داد و ستدهای محصولات ممنوع و بازاریابی برای آن و شکل‌گیری سایر بازارهای غیر قانونی در سطح داخلی و بین‌المللی و انواع کلاهبرداری‌های اینترنتی. از طرف دیگر، فضای مجازی، کشف، تعقیب و تحصیل ادله وقوع جرایم را برای مقام قضایی دشوار نموده است که

۱. مواد ۱۳۷ تا ۱۴۷، ۱۵۰ و ۱۵۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مصادیق تعرض به حریم خصوصی اشخاص، از قبیل تفتیش و بازرسی منازل، اماکن بسته و تعطیل، اشیاء، کنترل در ارتباطات مخابراتی و کنترل های بانکی اشخاص و احکام مربوط به آن را بیان نموده است که از تفتیش و بازرسی منازل و اماکن و اشیاء می‌توان به عنوان مصادیق سنتی تعرض به حریم خصوصی یاد کرد؛ از این جهت که برای تحصیل ادله جرایم ارتكابی در اشیاء الکترونیکی امروز، کاربرد آنچنانی ندارند لکن، کنترل ارتباطات مخابراتی و حساب‌های بانکی اشخاص که از طریق اینترنت صورت می‌گیرد به عنوان مصادیق نوین تعرض به حریم خصوصی تلقی می‌شود که برای کشف جرایم امروزی کاربرد وسیع دارند.

۲. در لایحه حمایت از حریم خصوصی، تنها ضبط صدا و آن هم با مجوز کتبی مقام صلاحیت‌دار قضایی و در جرایمی که مجازات آن‌ها قصاص نفس یا عضو یا اعدام یا حبس ابد یا حبس بالای ده سال است اجازه داده شده است و در خصوص ضبط تصاویر نصی مقرر نشده است (مواد ۵۷ و ۶۱ لایحه)؛ شایان ذکر است که این لایحه در آخرین روزهای فعالیت دولت محمد خاتمی به مجلس هفتم ارائه شد که نهایتاً در مجلس رد گردید.

البته به لحاظ شیوع به کارگیری انواع ارتباطات الکترونیکی، ضرورت اقتضا می‌کند تا در این راستا، یک سری امور و وقایع مفروض انگاشته شود و بار اثبات بر عهده طرف مقابل قرار گیرد (تدین، ۱۳۹۵: ۳۸۵-۳۸۴). بنابراین به لحاظ وقوع اغلب جرایم یقه اقتصادی در فضای مجازی و ماهیت پیچیده این جرایم و عدم امکان بکارگیری شیوه‌های سنتی تعرض به حریم خصوصی در این فضا، تعرض به حریم خصوصی متهمان یا مجرمان اقتصادی در فضای مجازی از طریق رهگیری ارتباطات اینترنتی آنان ضروری است تا بدین وسیله امکان کشف یا تحصیل ادله وقوع جرایم ارتكابی شان برای مقام قضایی در مرحله تحقیقات مقدماتی امکانپذیر شود و موازنه قوا بین طرف‌های دعوی کیفری برقرار گردد.

در نظام کیفری ایران^۱، رهگیری ارتباطات خصوصی اینترنتی شامل ارتباطات خصوصی یا غیر عمومی در سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی می‌شود که طبق ماده ۶۸۳ قانون آیین دادرسی کیفری؛ «کنترل محتوای در حال انتقال ارتباطات غیر عمومی در سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی مطابق مقررات راجع به کنترل ارتباطات مخابراتی مقرر در آیین دادرسی کیفری است. تبصره- دسترسی به محتوای ارتباطات غیر عمومی ذخیره شده، نظیر پیام نگار (ایمیل) یا پیامک در حکم کنترل و مستلزم رعایت مقررات مربوط است.» بنابراین رهگیری ارتباطات اینترنتی تابع مقررات کنترل ارتباطات مخابراتی افراد است که طبق ماده ۱۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری فقط در جرایم مربوط به امنیت ملی و خارجی یا کشف جرایم مستوجب مجازات سلب حیات، حبس ابد، قطع عضو و مجازات تعزیری درجه سه و بالاتر صورت می‌گیرد و آن هم حسب مورد با موافقت رییس کل دادگستری استان یا رییس قوه قضاییه می‌باشد. البته طبق تبصره ۱ ماده ۱۵۰، شرایط و کیفیات کنترل ارتباطات مخابراتی به موجب مصوبه شورای عالی امنیت ملی تعیین می‌شود که تاکنون این شرایط و کیفیات از سوی شورای مذکور تصویب نشده است و بنابراین شرایط و کیفیات رهگیری ارتباطات خصوصی اینترنتی نیز که تابع کنترل ارتباطات مخابراتی است در حال حاضر تعیین نشده است. در قوانین آیین دادرسی فرانسه و لهستان نیز رهگیری ارتباطات خصوصی اینترنتی اشخاص متهم به منظور به دست آوردن ادله در تحقیقات جاری مربوط به جرایم مهم؛ نظیر جرایم اقتصادی پیش‌بینی شده است.^۲

اسناد بین‌المللی؛ همچون کنوانسیون‌های پالمو و مریدا دولت‌های عضو را ملزم نموده‌اند که در قوانین داخلی خود، روش‌های ویژه تحقیق جهت کشف جرایم سازمان‌یافته و متضمن فساد مالی که مصداق بارز آن جرایم اقتصادی است؛ از قبیل نظارت الکترونیکی یا سایر اشکال مراقبت و عملیات مخفی را پیش‌بینی نمایند که بدیهی است رهگیری ارتباطات خصوصی اینترنتی اشخاص می‌تواند یکی از مصادیق نظارت یا کنترل الکترونیکی باشد.

استفاده از ابزار تکنولوژیک و روش‌های علمی نوین در کشف جرایم اقتصادی

یکی دیگر از الزامات تحقق تساوی سلاح‌ها در جرایم اقتصادی، استفاده از امکانات و روش‌های علمی نوین در کشف و تعقیب این جرایم و مرتکبان آن است؛ زیرا توسل مقامات تعقیب و تحقیق به ابزار و روش‌های سنتی برای اثبات جرایم پیچیده و نوظهور اقتصادی، خیلی مؤثر در کشف جرم و شناسایی مجرمان نبوده و به منزله چالش در برقراری توازن قوا و تساوی سلاح میان طرفین دعواست. همان طور که جرایم اقتصادی، اغلب با بکارگیری وسایل و امکانات فناوری روز ارتكاب می‌شوند کشف و تعقیب این جرایم نیز مستلزم استفاده از ابزارهای تکنولوژیک و پیشرفته روز می‌باشد. این ابزار؛ شامل رایانه، دستگاه‌های ضبط محاورات و تصاویر، اینترنت و سایر وسایل مخابراتی و رایانه‌ای، وسایل سخت افزار و نرم افزار برای تشخیص جرایم در فضای مادی و مجازی، آزمایشگاه‌های تحقیقات جنایی و دستگاه‌های بررسی صحنه جرم؛ همچون

۱. طبق ماده ۶۵ لایحه حمایت از حریم خصوصی با لحاظ مواد ۵۷ و ۶۱ آن لایحه، شنود، ضبط، ذخیره یا دیگر رهگیری ارتباطات خصوصی اینترنتی اشخاص بدون رضایت آن‌ها مجاز نیست مگر با مجوز قاضی ویژه منصوب رییس قوه قضاییه، در مواردی که برای صیانت از امنیت ملی لازم است یا در جرایمی که مجازات آن‌ها قصاص نفس یا عضو یا اعدام یا حبس ابد یا حبس بالای ده سال می‌باشد.

۲. ماده ۹۵-۷۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه و مواد ۲۳۷ و ۲۴۱ قانون آیین دادرسی کیفری لهستان.

دستگاه‌های میکروسکوپی الکترونیکی در تشخیص اسناد مشکوک و مجعول و نیز سایر تجهیزات فنی و تخصصی که در اختیار پلیس و کارشناسان قرار می‌گیرند تا به دستور مقامات قضایی تعقیب و تحقیق از این امکانات در جهت کشف و تعقیب جرایم استفاده نمایند. امروزه به لحاظ ظهور و توسعه تکنولوژی در همه زمینه‌ها و بکارگیری آن در عرصه ارتکاب جرایم، دیگر، ابزار سنتی برای اثبات جرایم اتهامی؛ نظیر قسامه، شهادت شهود و... جز در جرایم سنتی؛ همچون تهدید، توهین، ترک انفاق و... کارایی چندانی ندارد و ضرورت استفاده از ابزارهای الکترونیک در کشف و تعقیب اغلب جرایم، لازم است و لکن در جرایم اقتصادی از چند جهت، استفاده از این ابزارها اهمیت بیشتری دارد به طوری که بدون بکارگیری آن، کشف و تعقیب این جرایم، دشوار و چه بسا ناممکن است؛ نخست اینکه، جرایم کلان اقتصادی، از نظر ساختاری، جرایمی پیچیده بوده و با استفاده از فناوری پیشرفته روز؛ نظیر اینترنت و توأم با حيله و تقلب و مخفیکاری و با برنامه‌ریزی خاص ارتکاب می‌شوند. این ویژگی‌ها در میان دامنه موضوعی گسترده جرایم اقتصادی؛ نظیر کلاهبرداری از بیمه، کلاهبرداری در بانکداری، اختلاس، تقلب در بورس، تقلب در مواد مصرفی غذایی، دارویی، آرایشی، تقلب در مواد نیروزی ورزشی، کلاهبرداری اینترنتی و سایر جرایم رایانه‌ای مشاهده می‌شود؛ به علاوه، جرایم اقتصادی به صورت مستمر در حال تغییر و تحول است و از این رو، وسایل کنترل و تعقیب آن همواره باید متناسب با آن متحول شود؛ دوم اینکه، مرتکبان این جرایم، گاهی به شکل شخص حقوقی دارای هویت صوری و اغلب در فضای مجازی^۱ ظاهر می‌شوند و گاهی شخص حقیقی هستند اما نه انسان‌های ساده و معمولی، بلکه دارای نبوغ و استعدادی خاص یا ارتباطاتی قوی با مسئولان حکومتی^۲ یا امکانات پیشرفته و نیروی متخصص و روشنفکر بوده، به طوری که هم در ارتکاب جرم و هم در امحاء و اخفای آثار و ادله جرم ارتكابی از نعمت خدادادی نبوغ یا امکاناتی که جامعه به اعتبار موقعیت آنان در اختیارشان قرار داده است استفاده می‌نمایند به طوری که مقامات تعقیب یا تحقیق را متقاعد می‌سازند جرمی محقق نشده یا آثاری از جرم بر جای نمی‌گذارند تا مستمسکی برای تعقیب آنان باشد. قطعاً در کشف و تعقیب جرایم اقتصادی بلحاظ ویژگی‌های خاص این جرایم و مرتکبان آن، عدم استفاده از امکانات و ابزارهای پیشرفته روز، به منزله خلع سلاح دادستان و مقام تعقیب و تحقیق در رویارویی با متهمان مسلح اقتصادی و یقه سفیدی است؛ یقه سفیدهایی که از امکانات پیشرفته و گسترده بهره‌برداری می‌کنند و گاهی امکانات و نیروی دست‌اندرکار اجرای عدالت را خود قرار است تأمین نمایند.

۱. نظیر شرکت‌های کاغذی در فضای اینترنتی که فعالیتشان، فروش کدهای اقتصادی و فاکتورهای جعلی است و با هدف کتمان درآمد واقعی فعالان اقتصادی و ارایه اطلاعات و اسناد و مدارک خلاف واقع به منظور فرار مالیاتی صورت می‌گیرد. به نقل از پایگاه خبری تحلیلی پایگاه پول نیوز در خبر شماره ۱۷۹۵۷۸ مورخه ۱۳۹۵/۲/۷، حدود ۱۵۰۰ شرکت کاغذی با پیگیری واحدهای نظارتی سازمان امور مالیاتی و همکاری ادارات کل امور مالیاتی سراسر کشور شناسایی و اسامی آنها از سوی وزارت امور اقتصادی و دارایی، برای تشکیل پرونده به قوه قضاییه اعلام شد و برخی نهادها از جمله وزارت کشور، وزارت اطلاعات و موسسات بانکی و... در جریان قرار گرفتند.

۲. نظیر شهرام جزایری عرب، تاجر و فعال اقتصادی ایرانی که در سال ۱۳۸۱ در جریان بزرگترین و حنجالی‌ترین پرونده اقتصادی ایران بعد از انقلاب، دستگیر و بلزداشت شد، بررسی بیوگرافی این تاجر یقه سفید نشان می‌دهد که او در بسیاری از زمینه‌ها نبوغی خاص داشت به طوری که شغل خود را از دستفروشی در اهواز شروع کرده تا به صادرات سیر در کویت رسیده بود و با تاسیس شرکت پدیده تجارت نوین و ارتقای آن به ۴۸ شرکت زیر مجموعه، به ثروت هنگفتی دست یافت و با ورود در دنیای سیاست و برقراری ارتباط با مقامات مملکتی و نمایندگان مجلس، توانست بسیاری از جرایم مهم؛ نظیر تبانی در معاملات دولتی، اغوای مسئولان بانکی به پرداخت تسهیلات کلان، جعل اسناد دولتی، تصرف غیر مجاز در اموال عمومی و دولتی، صادرات غیر قانونی و اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی و... را با همدستگی فرزندان مقامات نظام انجام و برای مدت زیادی از تیغ شمشیر عدالت مصون بماند.

استفاده از روش‌های تحقیقاتی خاص و علمی در تعقیب مجرمان یقه سفید

علاوه بر ضرورت بکارگیری ابزارهای تکنولوژیک و پیشرفته در فرآیند رسیدگی به جرایم اقتصادی، توسل به روش‌های تحقیقاتی خاص و علمی؛ جهت کشف و تعقیب جرایم اقتصادی و اجرای تساوی سلاح‌ها میان طرفین دعوا در این جرایم لازم است؛ زیرا بزهکاران اقتصادی اغلب، آدم‌های نبوغ دار و باهوش و نیرنگ باز بوده و بیش از آنکه مقام تعقیب یا تحقیق بتواند در امر بازجویی اقرار به ارتکاب جرم را از زیر زبان آنان بکشد خود، امر بازجویی را با ارایه پاسخ‌های به ظاهر موجه ولی بی اساس، از مسیر عادلانه، به انحراف کشیده و یا با استفاده از حق سکوتی که قانون به آنان داده است دچار چالش می‌نمایند. بنابراین، با روش سنتی و غیر علمی؛ نظیر تنبیه و شکنجه، دیگر نمی‌توان باندهای مجرمانه و مفسدان اقتصادی را شناسایی کرد و به عبارت دیگر، این روش، دیگر نمی‌تواند در کشف حقایق در فرآیند رسیدگی به جرایم نوظهور اقتصادی خیلی مؤثر و مثمر ثمر باشد و باید متوسل به روش‌های علمی شد؛ نظیر اعتمادسازی و مصاحبه آزاد با متهم و تحقیق کتبی از او و مقایسه آن با اظهارات شفاهی، روانشناسی خط؛ به معنای استفاده از روش سؤال و جواب توسط یک روانشناس یا روانکاو، روش تداعی در کشف و شناسایی مجرمان؛^۱ و دام گستری^۲ و نظایر آن. البته استفاده از این روش‌ها مستلزم وجود نیروی پلیسی و قضایی متخصص و آموزش- دیده در زمینه بازجویی و تحقیق از متهمان است که کمبود یا عدم وجود این نیرو، خود نیز چالشی جدی در امر تعقیب و تحقیق پیرامون جرایم کشف پیچیده اقتصادی و برقراری تساوی سلاح‌ها در این جرایم است.

متأسفانه در نظام قضایی ایران، عدم کفایت نیروهای پلیسی و قضایی متخصص و آموزش دیده در بکارگیری شیوه‌های علمی بازجویی از متهمان و یا نداشتن وقت کافی برای استفاده از این شیوه‌ها به علت کثرت شدید پرونده‌ها و یا ممنوعیت استفاده از برخی شیوه‌های نوین از این جهت که متضمن اغفال و فریب متهم در امر بازجویی می‌باشد^۳ شیوه‌های علمی، چندان مورد استفاده در تعقیب و کشف جرایم قرار نمی‌گیرد و به عبارتی، هنوز هم اغلب، شیوه‌های سنتی در امر بازجویی حاکم بوده و در این خصوص، تحقیقات پلیسی و بازجویی‌ها در کشف جرایم مهم، نظیر انواع جرایم اقتصادی دچار نارسایی و ناکارآمدی است. عدم استفاده از روش‌های علمی نوین در امر بازجویی متهمان در جرایم اقتصادی به معنای خلع سلاح مقام تعقیب و تحقیق در مقابل اسلحه حيله و عملیات پنهانکاری و برنامه ریزی خاص بزهکاران اقتصادی می‌باشد اسلحه‌ای که این دسته از بزهکاران هم در ارتکاب جرم از آن استفاده می‌کنند تا بر قربانی جرم ضرر

۱. در این روش، افسر تحقیق با ارایه مطالب و تصاویر و اشیا و وسایل مربوط به جرم از متهم سؤالاتی می‌پرسد. نوع پاسخ‌ها در باره اشیای مرتبط با جرم قطعاً با اشیا و تصاویر نامرتب متفاوت خواهد بود و فرد محقق می‌تواند با استفاده از این شیوه متوجه شود تا کجا به حقیقت نزدیک شده است؛

<http://www.magiran.com/npview.asp?ID=۲۵۱۱۲۴۵>

۲. دام گستری در لغت، به معنای گستردن دام و تله برای شکار چیزی است و منظور از روش دام گستری در کشف جرم، پهن کردن دام و تله توسط مقامات قضایی برای ارتکاب جرم علیه اشخاص مورد نظر آنان یا تحصیل دلیل علیه افراد مظنون به ارتکاب جرم است؛ در رابطه با بکارگیری این روش در کشف جرم، همواره بحث مشروعیت یا عدم مشروعیت توسل مأمورین پلیس به این روش مطرح است که برای مطالعه بیشتر در این خصوص، ر.ک: ابراهیمی، شهرام و ملک زاده، محمود، (۱۳۹۲)، دام گستری: ممنوعیت مطلق یا قانونمند سازی آن، نشریه علمی- پژوهشی فقه و حقوق اسلامی، سال چهارم، شماره هشتم.

۳. به موجب قسمت اخیر ماده ۱۹۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: «... پرسش تلقینی یا همراه با اغفال، اکراه و اجبار متهم ممنوع است». همچنین به موجب بند ۱۱ ماده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی (مصوب ۱۳۸۲/۲/۱۶): «پرسش‌ها باید مفید و روشن و مرتبط با اتهام یا اتهامات انتسابی باشد و از کنجاوی در اسرار شخصی و خانوادگی و سؤال از گناهان گذشته افراد و پرداختن به موضوعات غیر مؤثر در پرونده مورد بررسی احتراز گردد».

وارد کنند و هم بعد از کشف جرم و در عملیات رسیدگی به آن، این سلاح را بکار می‌گیرند تا با فریب مقام تعقیب و تحقیق و نقض تساوی سلاح‌ها به نفع خود اسباب منع تعقیب یا برائت خویش را فراهم نمایند.

نتیجه‌گیری

تعادل یا توازن قوا میان طرفین دعوا در جرایم اقتصادی؛ با رویکرد سنتی اصل تساوی سلاح‌ها که مبتنی بر حمایت از متهم در مقابل دادستان است محقق نمی‌شود؛ از این جهت که در این جرایم، در مقابل دادستان، متهمان یا بزه‌کارانی قرار دارند که غالباً از موقعیت برتر اجتماعی و ثروت و قدرت فراوان برخوردارند و براحتی می‌توانند با استفاده از نفوذ و قدرتی که دارند ابزارهای قانونی دادستان را دور زده و موجبات منع تعقیب یا برائت خود را فراهم نمایند؛ از این رو باید الزامات یا ساز و کارهایی متفاوت با ساز و کارهای تعقیب جرایم عادی، با رویکردی نوین و مبتنی بر حمایت از دادستان در فرایند رسیدگی به جرایم اقتصادی مورد رعایت و استفاده قرار گیرد تا با تقویت ابزارهای تعقیب و تحقیق و گسترش اختیارات دادستان، بتوان کشف جرایم اقتصادی و تعقیب مرتکبان آن را میسر و بدین وسیله موازنه قوا میان طرفین دعوا را فراهم ساخت؛ این مجموعه تحقیق برخی از این الزامات و ساز و کارها را بررسی نمود که بعضی از این الزامات یا ساز و کارها؛ نظیر عدول از اصل برائت یا محدودیت حضور و مداخله وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی، مبتنی بر تحدید حقوق دفاعی متهمان در جرایم اقتصادی است و برخی دیگر، نظیر استفاده از ابزار تکنولوژیک و روش‌های علمی نوین در کشف و تعقیب جرایم اقتصادی، مبتنی بر تقویت ابزارهای تعقیب و تحقیق در فرآیند رسیدگی به این جرایم است؛ با این حال، برای فراهم شدن زمینه اجرایی اصل تساوی سلاح‌ها در جرایم اقتصادی پیشنهاد می‌شود این اقدامات توسط دولت (به معنای عام) انجام گردد:

- تعریف قانونی جرایم اقتصادی و بیان مصادیق آن
- تصویب قانون جامع مبارزه با جرایم اقتصادی
- تشکیل پلیس قضایی متخصص در امر کشف و تحقیقات مقدماتی جرایم اقتصادی
- تشکیل مرکز اطلاعاتی به منظور جمع‌آوری و تحلیل سوابق و اطلاعات مربوط مجرمان اقتصادی و بهره‌برداری از آن در اتخاذ سیاست جنایی موثر در مبارزه با جرایم اقتصادی
- نهادینه و قانونمند نمودن تعامل و همکاری دستگاه‌ها و نهادهای موثر در بروز جرایم اقتصادی با نیروی قضایی و پلیسی
- تصویب قوانین مرتبط با الحاق ایران به کنوانسیون‌های بین‌المللی مبارزه با فساد مالی و جرایم سازمان‌یافته

- اختصاص بودجه کافی به نیروی قضایی و پلیسی جهت بروز نمودن تجهیزات و ارتقای آموزش و آگاهی‌های نیروی خود در امر مبارزه با جرایم اقتصادی

بدیهی است با اجرای شدن این پیشنهادها می‌توان تا حدود زیادی، تعقیب مجرمان اقتصادی و کشف جرایم آنان را برای دادستان و پلیس تسهیل نمود و طرف‌های دعوا را در طرح دفاع یا ادعا در موقعیتی برابر در مقابل هم قرارداد تا بدین وسیله، تساوی سلاح‌ها و در یک مقیاس کلی، دادرسی عادلانه در رسیدگی برقرار شود.

منابع

- ۱- آشوری، محمد، (۱۳۸۸)، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، تهران، انتشارات سمت.
- ۲- آشوری، محمد و بهمنی قاجار، محمدعلی، (۱۳۸۷)، رویه کمیته حقوق بشر در حمایت از حق آزادی و امنیت شخصی، فصلنامه حقوق، دوره ۳۸، شماره ۳.
- ۳- آشوری، محمد، (۱۳۸۳)، "مفاهیم عدالت و انصاف از دیدگاه کنوانسیون اروپایی حقوق بشر" حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، تهران، نشر گرایش.
- ۴- ابراهیمی، شهرام و ملک زاده، محمود، (۱۳۹۲)، دام گستری: ممنوعیت مطلق یا قانونمند سازی آن، نشریه علمی - پژوهشی فقه و حقوق اسلامی، سال چهارم، شماره هشتم.

- ۵- اعظمی مقدم، مجید، (۱۳۹۰)، مفهوم شناسی جرم اقتصادی یا فساد اقتصادی، مجله کار آگاه، دوره دوم، سال چهارم، شماره ۱۶
- ۶- باقری نژاد، زینب، (۱۳۹۴)، اصول آیین دادرسی کیفری، تهران، انتشارات خرسندی.
- ۷- بیگی، علی و بیگی، حسین، (۱۳۹۲)، جایگاه اصل تساوی سلاح‌ها و جلوه‌های آن در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، همایش ملی قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۲ در بوته‌ی نظر.
- ۸- پرویزی فرد، آیت الله، (۱۳۹۱)، دستگیری متهم بودن دستور قضایی؛ مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و انگلیس، فصلنامه حقوق، دوره ۴۲، شماره ۲.
- ۹- تدین، عباس، (۱۳۹۵)، تحصیل دلیل در آیین دادرسی کیفری (مطالعه تطبیقی در حقوق کیفری ایران و فرانسه)، تهران، نشر میزان.
- ۱۰- جعفریان سوتیه، سید حسن، (۱۳۹۴)، از عدالت کیفری امنیت مدار تا عدالت کیفری کرامت‌مدار (علل، راهکارها)، نشریه اندیشه‌های حقوق کیفری، سال اول، شماره ۱.
- ۱۱- جوانمرد، بهروز، (۱۳۹۳)، آیین دادرسی کیفری اختصاصی (افتراقی) در جرایم سازمان‌یافته فراملی، تهران، انتشارات جاودانه
- ۱۲- حیدری، الهام و فتحی، محمدجواد، (۱۳۹۳)، گستره اصل آزادی تحصیل دلیل در دادرسی کیفری ایران و انگلستان، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره ششم، شماره دوم
- ۱۳- رحمدل، منصور، (۱۳۸۶)، قانون اساسی و بار اثبات در امور کیفری، نشریه حقوق اساسی، سال چهارم، شماره هشتم
- ۱۴- زراعت، عباس، (۱۳۹۱) حقوق کیفری اقتصادی، تهران، انتشارات جنگل، نشر جاودانه
- ۱۵- ساقیان، محمدمهدی؛ (۱۳۸۵)؛ اصل برابری سلاح‌ها در فرایند کیفری (با تکیه بر حقوق فرانسه و ایران)، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۷ و ۷۶.
- ۱۶- سلیمی، علی، (۱۳۸۳)، جرم و جرم‌شناسی، نشر پژوهشی حوزه و دانشگاه.
- ۱۷- شاکری، ابوالحسن و بابایی شاهان دشتی، سید بهامین، (۱۳۹۵) اجرای دستور جلب در حقوق ایران با نگاهی به حقوق انگلستان، مجله مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۷، شماره ۱.
- ۱۸- شاملو، باقر و مرادی، مجید، (۱۳۹۲)؛ تحدید تضمینات دادرسی عادلانه در پرتو امنیت‌گرایی در جرم پولشویی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۸۱.
- ۱۹- شمس ناتری، محمد ابراهیم، (۱۳۹۱)، اصل برائت و موارد عدول از آن در حقوق کیفری؛ در: مجموعه مقالات علوم جنایی در تجلیل از اسناد دکتر آشوری، تهران، انتشارات سمت.
- ۲۰- ضیائی فر، محمدحسن، (۱۳۸۶)، نگاهی به موازین بین‌المللی مربوط به حق بر وکیل یا مشاور حقوقی در مرحله تحقیقات مقدماتی با تأکید بر رویه دیوان اروپایی حقوق بشر، مجله حقوق اساسی، شماره هشتم
- ۲۱- عشاوی، سعدالدین محمد، (۱۳۸۶)، مروری بر جرایم اقتصادی کشورهای عربی، ترجمه محمد رضا نصر الهی و سید عیسی حسینی، تهران، نشر کارآگاه
- ۲۲- فضائی، مصطفی، (۱۳۹۴)، دادرسی عادلانه محاکمات کیفری بین‌المللی، تهران، انتشارات شهر دانش.
- ۲۳- قپانچی، حسام و دانش ناری، حمیدرضا، (۱۳۹۱)، الگوهای دو گانه فرایند کیفری «کنترل جرم» و «دادرسی منصفانه»، مجله آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم رضوی، شماره ۴
- ۲۴- قربانی، علی، (۱۳۸۶)، بررسی رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر در زمینه حق آزادی و امنیت و حق بر دادرسی منصفانه، رساله دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران
- ۲۵- کوچ نژاد، عباس، (۱۳۸۳)، محدودیت‌های حقوق بشر در اسناد بین‌المللی، نشریه حقوق اساسی، شماره ۳.
- ۲۶- گلدوست جویباری، رجب، (۱۳۸۶)، کلیات آیین دادرسی کیفری، تهران، انتشارات جنگل.

- ۲۷- مجیدی، سید محمود، (۱۳۸۴)، آیین دادرسی افتراقی ناظر بر جرایم علیه امنیت در سیاست کیفری ایران و فرانسه، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، شماره ۲۸.
- ۲۸- مؤذن زادگان، حسنعلی، (۱۳۸۹)، تضمینات حقوق دفاعی متهمان در همان امر بازجویی در مرحله تحقیقات مقدماتی، مجله پژوهش حقوق و سیاست، سال دوازدهم، شماره ۲۸.
- ۲۹- مؤذن زادگان، حسنعلی و جهانی، بهزاد، (۱۳۹۴)، مطالعه تطبیقی حقوق خانواده، متهم در فرایند تحقیقات مقدماتی در ایران و فرانسه، فصلنامه دیدگاههای حقوق قضایی، شماره ۶۹.
- ۳۰- مهدی پور، اعظم، (۱۳۹۵)، سیاست کیفری افتراقی در قلمرو بزهکاری اقتصادی، تهران، نشر میزان
- ۳۱- نصر اصفهانی، احمد، (۱۳۸۶)، حق برخورداری از وکیل دعاوی به عنوان یک حق بشری؛ ارائه شده در خبرنامه کانون وکلای دادگستری در اسفند ماه ۱۳۸۶ در اصفهان؛ قابل دسترسی در:
http://www.niknameh.ir/post/۲۰۰۹/۰۹/۱۷/right_to_attorney_as_a_human_right.t.a.aspx
- ۳۲- هاشمی، سیدحسن، (۱۳۹۲)، دادرسی منصفانه در شرایط اضطراری (در اسناد بین المللی و ایران)، تهران، انتشارات مجد.
- ۳۳- یوسفی، ایمان، (۱۳۹۰)، بررسی تمایل جهانی به حذف بازپرس، مجله مطالعات حقوقی، دوره سوم، شماره دوم.
- ۳۴- Antonio Cassese; (۲۰۰۳); International Criminal Law; Oxford University Press